

مدرسه

از برکت اما

|| گشتی در مدرسه علمیه رضویه ||

■ به کوشش: محسن حمیدی



مقصد ۵: طلبه ماه

مدرسه ▲ مدرسه علمیه رضویه	۶۸
شعر ماه ▲	۷۶
مهارت ▲ کلیدهای طلایی در مدیریت تبلیغ	۷۸
یک طلبه ▲ گفت و گو با حجت الاسلام حاج ابوالقاسمی	۸۲
معرفی کتاب ▲ اندیشه های تاثیر گذار بر ایران معاصر	۸۴
اخبار کتاب ▲	۸۴
یک نویسنده ▲ استاد عبدالحسین خسروپناه	۸۵
تجربه ▲ گام به گام از وبلاگ نویسی تا طلبه نویسی	۸۶
داستان ▲ منبر	۸۹

م‌رضا (ع)





وقتی ریزه‌خوار سفره آقا شدم مدرسه رضویه در دل نوشته‌های یک طلبه

روز اولی که وارد مدرسه رضویه شدم، نخستین صحنه‌ای که چشمم را گرفت معماری زیبا و سنتی مدرسه بود که حال و هوای حوزه‌های علمیه قدیم را برابم ترسیم می‌کرد. آن روز خودم را برای ثبت‌نام به مسئولین مدرسه معرفی کردم و عنایت امام رئوف علی بن موسی الرضا علیه السلام شامل حال بنده شد که در منزلگاه ایشان حجره‌ای بگیرم و ریزه‌خوار سفره آقا شوم. حجره‌ای با سقفی گنبدی‌شکل و فضایی معنوی که انسان را به وادی طلبگی می‌برد؛ همان وادی که نه فقط به تعلیم و تعلم، بلکه به تزکیه نفوس و معرفت و شناخت هم اهمیت می‌دهد.

از همان ابتدا فضای پرمحبت و زیبای طلبگی را با رفتار طلبه‌های قدیمی مدرسه احساس کردم، وقتی همیشه و در هر برخورد کوتاهی سلام کردن را فراموش نمی‌کردند و بی‌تفاوت از کنار ما نمی‌گذشتند،

درست مثل بهشت که وادی‌السلام مؤمنان است. طلبه‌هایی که از منجم و محقق گرفته تا خطیب و زاهد می‌توانی بینشان پیدا کنی. روزهای زندگی طلبگی به‌سرعت می‌گذشت و ما را با درس و بحث آشنا می‌کرد. بهره‌ای که ما در مدرسه رضویه از اساتید محبوب حوزه علمیه قم می‌بردیم، خیلی چشم‌گیرتر از باقی قضایا بود. اساتیدی که خیلی از آنها هنوز که هنوز است به عشق امام رضا علیه السلام، تدریس در این مدرسه را عنایت حضرت می‌دانند. نفس بزرگانی همچون حاج شیخ عبدالکریم حائری، بهاء‌الدینی و ... فضای معنوی حاکم بر مدرسه را دو چندان کرده است.

معروف است آیت حق بهجت در ایام میلاد امام رضا علیه السلام به مدرسه می‌آمدند، نزدیک چاه معروف مدرسه می‌نشستند و مشغول ذکر می‌شدند. ■ مهزبار خاکی: طلبه مدرسه رضویه

این تازه‌بنا که هست در خوبی فرد

|| تاریخچه تاسیس مدرسه علمیه رضویه از دوران صفویه تا امروز ||

شمسی، مرحوم شیخ مهدی حکمی زاده، (۶) معروف به صاحب عقرب (۷) بودند. شیخ عبدالکریم حائری هنگام ورود به قم، به منزل ایشان وارد شدند. در آن زمان مدرسه فیضیه هنوز تعمیر و بازسازی نشده بود و مرکزیت با مدرسه رضویه بود. شیخ مهدی حکمی زاده از علمای متقی و پرهیزکار قم، از عوامل دعوت حاج شیخ به قم و بانی تجدید بنای مدرسه رضویه بود. او به همراه مرحوم فیضی قمی، اقداماتی را برای تجدید بنای مدارس قم انجام داده بود. در زمان زعامت آیت‌الله حائری بر حوزه قم، مدرسه رضویه ۲۱ حجره و ۴۳ طلبه داشته است. در دوره رضاخانی با ایجاد خیابان آذر، قسمت زیادی از مدرسه تبدیل به خیابان می‌شود که مدرسه فعلی ثلث آن است. در سال ۱۳۱۳ قمری نخستین نشریه مذهبی - اصلاحی قم با مدیر مسئولی شیخ علی‌اکبر حکمی زاده (۸) و همکاری آیت‌الله سیدحسین بدلا و سیدمحمد طالقانی به نام همایون در مدرسه رضویه منتشر شد. در دوران مرجعیت آیت‌الله العظمی حجت کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله شیخ محمدصادق تهرانی (کرباسچی) از جانب ایشان متولی مدرسه شدند. با ورود آیت‌الله العظمی بروجردی به قم، آیت‌الله شیخ غلامحسین شرعی به سبب ارتباط و مقبولیت نزد ایشان، تعمیرات اساسی در ساختمان مدرسه - که رو به خرابی می‌رفت - انجام داد و امور وقفی و تولیت آن را فعال کرد. این مهم در سال ۱۳۷۶ قمری انجام شد.

پس از فوت آیت‌الله بروجردی، مسئولیت مدرسه در سال ۱۳۴۱ شمسی از جانب آیت‌الله العظمی گلپایگانی به حجت‌الاسلام والمسلمین میرزا احمد منتظری سپرده شد. در سال ۱۳۵۲ میرزا احمد منتظری به علت فعالیت علیه رژیم پهلوی، به بندر ترکمن تبعید شد و اداره مدرسه را شیخ محمدعلی شرعی و شیخ علی‌اکبر مسعودی خمینی (تولیت سابق آستان حضرت معصومه علیها السلام) عهده‌دار شدند. این مسئولیت در سال ۱۳۵۸ با حکم شورای عالی حوزه، به شیخ ابراهیم کاظمی خوانساری محول شد که تاکنون ادامه دارد. هم‌اینک این مدرسه با بیش از ۲۳۰ طلبه و ۴۰ استاد، مکانی برای فراگیری علوم آل محمد (صلی الله علیه و آله) می‌باشد و در

مدرسه رضویه، واقع در خیابان آذر، یکی از قدیمی‌ترین مدارس علمیه قم محسوب می‌شود. بنا بر نقل سیدعبدالکریم بن طاووس (متوفی ۶۹۳ هـ) زمانی که مأمون، امام رضا علیه السلام را از مدینه به سمت خراسان فراخواند، حضرت رضا علیه السلام در مسیر سفر، به شهر قم وارد شدند و در مکانی توقف کردند (۱).

سیدبن طاووس می‌فرماید: «این مکان در زمان ما مدرسه رهگذر است». شیخ عباس قمی (متوفی ۱۳۲۰ هـ) در مفاتیح‌الجنان (۲) و سفینه‌البحار (۳) و انوارالبهیة به این مطلب اشاره کرده است. از قدیم‌الایام میان علما و مردم شهر قم، این منطقه که شامل تکیه شاه خراسان، مدرسه و مسجد رضویه می‌باشد، به عنوان قدمگاه امام رضا علیه السلام شناخته می‌شود. آنها معتقد بودند چاه آبی که هم‌اینک در مدرسه رضویه قرار دارد، چاهی است که امام علیه السلام با آب آن غسل کرده‌اند.

اما نظر دیگری وجود دارد که ورود حضرت امام رضا علیه السلام به قم را تأیید نمی‌کند. شیخ صدوق تصریح کرده است که مأمون دستور داده بود که حضرت رضا علیه السلام در سفر به خراسان از کوفه و قم (دو مرکز عمده شیعیان) عبور نکنند (۴) و تحقیقات جدیدی که توسط بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی صورت گرفته، این مطلب را تأیید می‌کند. (۵)

به نظر می‌رسد شهرت این منطقه به نام حضرت رضا علیه السلام بی‌ارتباط با سکونت نوادگان آن حضرت (فرزندان امام جواد) در این حدود نباشد. تاریخ دقیق تأسیس مدرسه رضویه مشخص نیست. سنگ‌نوشته‌ای در پشت این مدرسه نصب است با این دو بیت:

این تازه‌بنا که هست در خوبی فرد / هرگز نرسد به ساکنانش غم و درد
از روی یقین گفت خرد تاریخش / سرکاری ابدال بیک آبادش کرد
که سال تأسیس رواق پشت مدرسه را با حروف ایجاد سنه ۱۰۹۳ هـ
ق در عهد صفویان ذکر کرده که تنها قسمت قدیمی مدرسه از آن زمان می‌باشد. در اوایل دولت ناصرالدین شاه، مرحوم حاج سیدحسن صابونی آن را تعمیر و آبنباری مقابل آن بنیان نهاد. متولی مدرسه در سال ۱۳۰۱

مقصد ۵

طلبه‌ماه



مدرسه‌ای با چهل حجره به نام شهدا

معماری و هنر اسلامی مدرسه مبارکه رضویه



است.

سر این همه شکوه و عظمت را در لابه‌لای بیش از چهل حجره نورانی خواهید یافت که هر یک منسوب به عالم و شهیدی است. در کاشی کاری دیوار طبقه فوقانی (کتابخانه) این گونه می‌خوانید: «محدث قمی نقل نموده که حضرت رضا علیه السلام در سر راه خراسان به قم تشریف‌فرما شدند و در این مکان منزل نمودند، به همین مناسبت مدرسه رضویه ساخته شد و در سال ۱۳۵۰ شمسی تجدید بنا گردید».

حوزه علمیه رضویه قم در تقاطع بلوار عمار یاسر و خیابان آذر و در بازار کهنه واقع شده است. ساختمان مدرسه به سبک طاق و چشمه‌ای، در دو طبقه، یادآور معماری سنتی و اسلامی روزگار گذشته است. آنچه در بدو ورود چشمان جستجوگر شما را به خود جلب خواهد کرد، باغچه‌هایی است که دو طرف مدرسه را دربر گرفته و در میانه خود چاه آبی را جای داده است که منسوب به امام رضا علیه السلام است و بدین جهت روشنی‌بخش دیدگان پرامید خاک‌بوسان حریم رضوی



مقصد ۵

طلبه‌ماه

■ پاورقی:

- ۱) فرح‌الغری ص ۱۰۵.
- ۲) باب سفر حضرت امام رضا علیه السلام به خراسان ص ۹۸۲.
- ۳) سفینه‌البحار، باب قمم.
- ۴) عبون اخبار الرضاج ۲ ص ۱۴۹.
- ۵) رک: کتاب جغرافیای تاریخ هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مکه، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- ۶) معروف به شیخ مهدی یابین شهری قمی که شوهر خواهر آیت‌الله سید محمود طالقانی بود.
- ۷) در قم معروف است، اشخاصی که به وسیله عقرب گزیده می‌شدند، ایشان با کشیدن دست زهر را خارج می‌کرد. آیت‌الله سید احمد زنجانی در کتاب الکلام یجر الکلام به این مطلب اشاره می‌کند.
- ۸) فرزند شیخ مهدی حکمی زاده از طلاب مدرسه رضویه بود. در سال ۱۳۲۲ جزوه‌ای به نام اسرار هزار ساله را که محتوی شبهاتی در خصوص مذهب تشیع بود انتشار داد که امام خمینی، کتاب کشف‌الاسرار را در پاسخ به آن نوشت.

میان مدارس علمیه قم، از فضای معنوی خاصی برخوردار است.

با توجه به قدمت مدرسه علمیه رضویه علیه السلام، بسیاری از بزرگان حوزه علمیه قم به‌نحوی با این مدرسه مرتبط بوده‌اند. از میان ایشان می‌توان به حضرات آیات و حجج اسلام: شیخ عباس قمی (صاحب مفاتیح)، ملا هاشم میبیدی، شیخ غلامحسین شرعی دارابی، سیدحسین بدلا، محمد صدوقی یزدی، سیدمحمد آل طه، حسین شب‌زنده‌دار، سیدرضا بهاء‌الدینی، سید محمود طالقانی، میرزا علی مشکینی، مرتضی مطهری، سیدمحمد رضا سعیدی، علی کریمی جهرمی، میرزا احمد منتظری، محمدعلی شرعی، علی‌اکبر مسعودی خمینی، احمد جنتی، سیدمحمد صفحی، شیخ محمدصادق تهرانی (کرباسچی) اشاره نمود. معروف است در دههٔ محرم در مدرسه روضه برگزار شد و مرحوم سیدمحمدتقی اشکوری منبر می‌رفت. در آن مجلس حاج شیخ عبدالکریم حائری شرکت می‌کردند و در روز عاشورا، طلاب و مردم با پای برهنه در حالی که حاج شیخ در جلو حرکت می‌کرد به سمت حرم حضرت معصومه علیه السلام تشریف‌فرما می‌شدند.



آیت الله مؤسس، پای پیاده از رضویه تا حرم اخت الرضا

تهرانی (کرباسچی) اشاره نمود. در دههٔ محرم از طرف مرحوم شیخ مهدی حکمی زاده در مدرسه روضه برگزار شد و مرحوم سیدمحمدتقی اشکوری منبر می‌رفت. در آن مجلس حاج شیخ عبدالکریم حائری شرکت می‌کردند و در روز عاشورا، طلاب و مردم با پای برهنه درحالی که حاج شیخ در جلو حرکت می‌کرد به سمت حرم حضرت معصومه علیها السلام تشریف فرما می‌شدند. تشریف‌فرمایی آیت حق بهجت و عارف شیدا میرزا حسینعلی کربلایی به این مدرسه زیاندار است. از سال‌ها پیش در سالروز میلاد امام رضا علیه السلام مجلس جشنی در مسجد

با توجه به قدمت مدرسهٔ علمیه رضویه، بسیاری از بزرگان حوزهٔ علمیهٔ قم به‌نحوی با این مدرسه مرتبط بوده‌اند. از میان ایشان می‌توان به حضرات آیات و حجج اسلام: شیخ مهدی حکمی زاده، میرزا علی حکمی زاده یزدی، شیخ عباس قمی (صاحب مفاتیح)، ملا هاشم میبیدی، شیخ غلامحسین شرعی دارابی، سیدحسین بدلا، محمد صدوقی یزدی، سیدمحمد آل طه، حسین شب‌زنده‌دار، سیدرضا بهاء‌الدینی، سیدمحمد طالقانی، میرزا علی مشکینی، مرتضی مطهری، سیدمحمد رضا سعیدی، علی کریمی جهرمی، میرزا احمد منتظری، محمدعلی شرعی، علی‌اکبر سعودی خمینی، احمد جنتی، سیدمحمد صفی، شیخ محمدصادق



همراه و حامی انقلاب

|| مدرسه رضویه، سنگری برای انقلاب اسلامی ||

■ محسن حمیدی

کردند. حاج آقا کاظمی درمورد خاطرات آن ایام می‌گوید: «آبان ۱۳۵۶ خبر فوت آقا مصطفی خمینی منتشر شد، شب میلاد امام رضا علیه السلام بود و ما در مسجد مدرسه جشن داشتیم. جشن به مجلس عزای تبدیل شد. ژولیدهٔ نیشابوری شاعر معروف، آن شب شعری خواند که مطلع شعرش این بود «اگر معاویه دار دارد / اسلام عمار دارد». با افراد مختلفی برای منبر رفتن تماس گرفتیم، کسی قبول نمی‌کرد بالاخره یکی از روحانیون به منبر رفتند».

در دوران دفاع مقدس نیز طلاب جوان مدرسه که اکثراً مقلد امام بودند، برای ادای دین به مذهب و کشور، به جبهه‌ها رفتند که تقدیم ده‌ها طلبهٔ شهید از افتخارات این مدرسه است و همه‌ساله یادوارهٔ ۱۸۶ طلبهٔ شهید مدرسه، با شکوه خاصی برگزار می‌شود. قسمتی از وصیت‌نامه شهید سیدمصطفی قانع، از شهدای مدرسهٔ علمیهٔ رضویه، چنین است: «به خدا هرگز به جبهه نیامدم، مگر برای لیبیک گفتن به ندای هل من ناصر ینصرنی حسین زمان و گفتن این مطلب که ای امام، ما اهل کوفه نیستیم و ثابت کردن به امام حسین (ع) که ای فرزند علی ای! که خونت باعث برجا ماندن قرآن شد، اگر در کربلا نبودیم که یاریت کنیم، در کربلا ایران اعلام وفاداری می‌کنیم و جانمان را هدیه می‌کنیم».

در دورانی که ندای انقلابی حضرت امام، علیه حکومت پهلوی به اوج رسید، شاگردان مکتب امام صادق علیه السلام به این ندا لبیک گفتند و با سخنرانی و پخش اعلامیه‌های حضرت امام، ماهیت استبدادی و نامشروع رژیم پهلوی را بر ملا کردند. بسیاری از فضایی انقلابی حوزهٔ علمیهٔ قم در آن زمان، مورد آزار و اذیت دستگاه امنیتی رژیم قرار می‌گرفتند. از این میان مدرسهٔ رضویه هم چندین بار مورد بازرسی سرزدهٔ ماموران ساواک قم قرار گرفت. طلاب انقلابی با امکانات ابتدایی، اعلامیه‌های حضرت امام را در مدرسه تکثیر می‌کردند؛ حاج آقا کاظمی خوانساری از آن دوران می‌گوید:

«به یاد دارم آیت‌الله شیخ محمدعلی شرعی مدیر وقت مدرسه، دستگاه تکثیری که به آن استنسل می‌گفتند، فراهم کرده بود تا شبانه و مخفیانه در یکی از حجرات، اعلامیه‌های امام را تکثیر کنیم. همچنین رسالهٔ حضرت امام را بدون جلد توزیع می‌کردیم که به همین خاطر در اصفهان و امل، لو رفتیم».

شیخ احمد منتظری مدیر مدرسه، در سال ۱۳۵۲ به علت فعالیت‌های انقلابی علیه رژیم شاه، برای مدت سه سال به بندر ترکمن تبعید شدند. هم‌زمان با فوت مشکوک آقاسید مصطفی خمینی، طلاب مدرسهٔ رضویه مجلس جشن میلاد امام رضا علیه السلام را به مجلس عزای تبدیل

مقصد

طلبه‌ماه

حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم هوشنگی، مشهور به کاظمی خوانساری از مدیران با سابقهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم به شمار می‌آیند. مدیریت هم‌زمان حوزهٔ علمیهٔ برادران و خواهران، تجربه‌های ارزشمندی برای ایشان به یادگار گذاشته است. خوشه‌چینی از خرمن عالمانی همچون آیات عظام گلپایگانی، میرزا جواد تبریزی و فاضل لنکرانی و مصاحبت و انس با صاحب‌دلانی همچون آیت حق بهاء‌الدینی، آیت‌الله مجتهدی، آقا فخر تهرانی و میرزا حسینعلی کربلایی، شخصیتی برجسته و ممتاز از ایشان ساخته است.

در یک روز باصفای پاییزی، در کمال سادگی، تواضع و گشاده‌رویی ما را به حضور پذیرفتند، متن ذیل حاصل این گفت‌وگوست.



مدرسه رضویه برگزار می‌شد که تا زمان حاضر ادامه دارد. آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و مرعشی نجفی در این مراسم حاضر می‌شدند.

عنايات آیات عظام میرزا جواد تبریزی و فاضل لنکرانی رحمتهما و حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در زمان حاضر به این مدرسه مبارکه، انگیزه و نشاط خاصی به طلاب آن بخشیده است. هزاران دانش‌آموخته این مدرسه امروزه در جایگاه‌های گوناگون علمی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در گوشه و کنار کشور عزیزمان و حتی خارج از کشور به خدمت مشغول هستند.

طلاب مرا امین خود می‌دانند

|| گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ ابراهیم کاظمی
خوانساری، مدیر مدرسه علمیة رضویه ||



■ به عنوان نخستین سؤال، از چه زمانی مدیریت مدرسه رضویه را به عهده گرفتید؟
زمانی که بنده طلبه این مدرسه شدم مدیر اینجا حجت‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا احمد منتظری، امام جمعه فعلی حاجی‌آباد بودند. سال ۱۳۵۸ ایشان به علت مشغله‌های فراوانی که پس از انقلاب برایشان درست شده بود، مدیریت مدرسه را با حکم شورای عالی حوزه به اینجانب تحویل دادند. بنده به مدت شش سال مسئولیت امور آموزشی مکاتب خواهران قم را عهده‌دار بودم و به همراه آقایان شرعی، راستی کاشانی و مرحوم مروی عضو شورای اداری آنجا بودم.

■ مدرسه رضویه چندین سال متوالی از مدارس موفق قم محسوب می‌شده، رمز این موفقیت را چه می‌دانید؟

این از برکات امام رضا علیه السلام است، آیت‌الله مکارم شیرازی با من تماس گرفتند، آقازاده‌شان می‌خواست طلبه شود. فرمودند: سیزده مدرسه را بررسی کردم و رضویه از میان آنها اول است.

رضویه اساتید خوبی داشته و استاد است که شاگرد را می‌سازد. ما سعی داشتیم انتخاب استاد بر اساس رابطه نباشد. اگر استاد متخلقی باشد، ما هم در مدیریت راحتیم. در روایات به استاد زیاد تکیه شده است.

■ چه نکات تربیتی را در برخورد با طلاب ملاک قرار می‌دهید؟

در برخورد با طلبه‌ها تنگ‌نظری نمی‌کنیم. سعی شده است برخورد با آنها پدران باشد. پدر از فرزند عیب می‌بیند، ولی او را طرد نمی‌کند. برخوردها اداری نبوده است.

■ تعامل طلاب با حضرت عالی چگونه است؟ از خودشان بپرسید.

■ شما بفرمایید؟
تعامل پدرا نه بوده، بیشتر جنبه مشاور داشته‌ام تا مدیر. طلاب هم علاوه بر احترام، مرا امین خود می‌دانند. در محرمانه‌ترین مسائلشان مشورت می‌کنند و ما هم امانت‌دار اسرار آنها هستیم. بنده هر کاری که توانستم برای طلاب انجام داده‌ام، از

ازدواج تا تهیه مسکن. البته اینها همه از عنایات امام رضا علیه السلام است.

■ اگر توصیه‌ای برای طلاب جوان دارید استفاده می‌کنیم.

باید پانزده سال همراه با اخلاق، مهمیز در تحصیل شوند. دو اسلحه اخلاق و علم را با هم داشته باشند تا بشوند آنچه در روایات فرمودند: النظر الی باب العالم عباده النظر الی وجه العالم عباده. یک دوره فقه و اصول و ادبیات را به خوبی بخوانند تا مؤثر و کارساز شوند.

■ در پایان اگر خاطره‌ای از ۳۲ سال مدیریت خود دارید بیان فرمایید؟

خاطره که زیاد است اما من هر وقت مشکلات پیش آمده، این احساس را داشته‌ام که اهل بیت ما را یاری کرده‌اند. لذا کار مدرسه هیچگاه تعطیل نشده است. این مدرسه بر پایه «اسس علی التقوی» بنا شده است. قال امیرالمؤمنین: «بالاخلاص یکون الخلاص؛ تنها راه‌هایی جنگ مخلصانه است».



کتابخانه‌ای که ۱۰۰ جلد کتاب خطی دارد نگاهی به کتابخانه مدرسه علمیه رضویه

در زمان مدیریت میرزا احمد منتظری در مدرسه رضویه، مسئولیت کتابخانه به مرحوم حجت‌الاسلام سیدمحمد شریف حسینی (رضایی) سپرده شد که ایشان توانستند کتاب‌های بسیاری به این مجموعه اضافه کنند.

در سال ۱۳۸۸ مسئولیت کتابخانه به حجت‌السلام والمسلمین توحید نجف‌زاده سپرده شد. در زمان ایشان، نخستین فهرست‌نگاری کتاب‌ها به نحو شایسته‌ای صورت گرفت.

در گذشته که فضای آموزشی در قم کم بود، سالن کتابخانه برای تمامی طبه‌های حوزه علمیه قم قابل استفاده بود.

کتابخانه مدرسه علمیه رضویه از قدیمی‌ترین کتابخانه‌های قم محسوب می‌شود. در سال ۱۳۳۶ شمسی آیت‌الله شیخ غلامحسین شرعی که امام جماعت و معتمد محل و مدیر مدرسه بود از آیت‌الله بروجردی درخواست تأسیس کتابخانه‌ای در مدرسه را می‌نماید و این امر محقق و سالن مطالعه کتابخانه تأسیس می‌شود. مسئولیت کتابخانه در آن زمان به حجت‌الاسلام والمسلمین میرزا احمد منتظری سپرده می‌شود. آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله مرعشی نجفی کتاب‌های فراوانی به این کتابخانه اهدا کرده‌اند.

در سال ۱۳۴۳ شمسی با افزودن قسمتی از بازار پشت مدرسه، مخزن نگهداری کتاب‌ها تأسیس شد، کتابخانه توسعه یافت و رونق تازه‌ای گرفت.

پیری که هنوز جوان است!

فعالیت‌های فوق برنامه مدرسه علمیه رضویه

اسلامی، فرقه‌شناسی، تاریخ اسلام و تاریخ انقلاب اسلامی) و مسائل سیاسی روز، با استقبال طلبه‌ها برگزار شده است.

برگزاری درس اخلاق مدرسه در روزهای چهارشنبه، خود نشانگر اهمیت طلاب به امر تزکیه در کنار تعلیم است. تاکنون بزرگانی همچون حضرات آیات انصاری شیرازی و شاه‌آبادی، زیور این جلسات بوده‌اند.

یادواره ۱۸۶ شهید مدرسه، همه‌ساله با برپایی نمایشگاه‌های جانبی با حضور اقشار مختلف مردم، با شکوه برگزار می‌شود که سال گذشته حضور مرجع عالی‌قدر آیت‌الله نوری همدانی، شور خاصی به این مجلس داد.

در امور پژوهشی، طرح مطالعاتی شهید مطهری با مشارکت صد نفر از طلاب و همکاری اساتید محترم در جریان است. بسیج مدرسه از پایگاه‌های فعال و ممتاز در سطح مدارس علمیه قم محسوب می‌شود. برنامه مشاوره گروهی نیز توسط مشاوران محترم مدرسه، هفته‌ای یک جلسه با حضور طلاب برگزار می‌گردد.

اجرای فعالیت‌های فوق برنامه از عوامل نشاط و پویایی طلاب جوان است. واحد دارالقرآن مدرسه با ایجاد ویلاگ و برگزاری برنامه‌های قرآنی، در انتقال معارف قرآنی بسیار کوشاست. برگزاری اردوی زیارتی مشهد مقدس همه‌ساله گویای ارادت طلاب این مدرسه به این آستان مقدس است.

همه‌ساله طلاب مدرسه با شور حسینی، به همراه کاروان راهیان نور عازم مناطق جنوب کشور می‌شوند و با آرمان‌های امام و رهبری تجدید بیعت می‌کنند. ورزش صبحگاهی، تنیس، شنا و مسابقات فوتسال از برنامه‌های ورزشی مدرسه است. اردوهای علمی دوازده با استقبال خوب طلاب به تهران و اصفهان برگزار شده و ادامه دارد. مراسمات اعیاد و وفیات امامان معصوم و ادعیه با شور خاصی برگزار می‌شود. همه‌ساله در ایام میلاد امام رضا (ع)، طلبه‌ها با برپایی ایستگاه صلواتی در خیابان مجاور مدرسه و پیاده‌روی به سمت حرم حضرت معصومه (ع) و گلباران ضریح آن حضرت، ادای احترام می‌کنند.

نشست‌های علمی در موضوعات گوناگون (گستره ادیان، مذاهب

مقصد ۵

طلبه‌ماه

آن شب شما کجا بودی؟

خاطره‌گویی سیدمجتبی عابدی، خادم قدیمی مدرسه رضویه

در سال ۱۳۶۱ از طرف حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعبدالوهاب قافله‌بانی به عنوان خادم، به مدرسه رضویه معرفی شدم و مدیر مدرسه، حاج آقای کاظمی خوانساری پذیرفتند.

نکات تلخ و شیرین بنده از دوران خدمتم در مدرسه زیاد است، اما خاطره‌ای که هرگز از ذهنم پاک نمی‌شود؛ این‌گونه اتفاق افتاد:

سال ۱۳۶۶ مدرسه به مناسبتی، سه روز تعطیل بود. بنده در مدرسه را ساعت ده شب می‌بستم، زمان جنگ بود آن شب چند نفر در زدند و در باز کردم. این کار تا ساعت دوازده شب ادامه داشت، آمدم حجره و خوابیدم، دوباره در زدند. خسته شده بودم، پتو را روی سرم کشیدم و اعتنا نکردم. یک ساعتی گذشت، خوابم عمیق شده بود، ناگهان شنیدم که کسی محکم به سرم زد گفت: پا شو در را باز کن! بلند شدم دیدم در حجره از داخل بسته است و کسی هم در حجره نیست، سریع

رفتم و در مدرسه را باز کردم، طلبه‌ای به نام بدیعی اهل بیرجند بود، آمد داخل. چند روزی گذشت، داشتم داستان را برای یکی از طلاب می‌گفتم. گفت: اسم طلبه چه بود؟ گفتم: نمی‌گویم. گفت: حداقل از او بپرس آن شب کجا بوده؟ آن طلبه را دیدم و از او بابت آن شب عذرخواهی کردم و گفتم: آن شب شما کجا بودی؟

گفت: حرم رفتم زیارت و نماز به‌جا آوردم، بعد به جمکران رفتم و در راه برگشت به حرم، رفتم که دوچرخه‌ام را بردارم، ولی دوباره به زیارت حضرت معصومه (ع) رفتم و برگشتم. داستان را برای او گفتم. با متانت گفت: ما که قابل نیستیم، بنده اعتقاد دارم که هر طلبه‌ای که اخلاص در کارش باشد و در مسیرش ثابت‌قدم باشد، تحت عنایات خاصه خداوند و ائمه معصوم قرار دارد و خدا را شاهد می‌گیرم، با عشق و اعتقاد به این نوکری و خدمت افتخار می‌کنم.



هم‌اینک این کتابخانه با داشتن بیش از ۹۰۰۰ جلد کتاب چاپی و ۱۰۰ جلد کتاب خطی، در موضوعات فقه، اصول، ادبیات، اخلاق، تاریخ، حدیث، منطق، فلسفه و کلام به همراه سالن مطالعه با مسئولیت حجت‌الاسلام والمسلمین خسروشاهی، در خدمت طالبان علوم آل محمد (صلی الله علیه و آله) می‌باشد.

آیت‌الله سیدحسین مدرسی طباطبایی در سال ۱۳۵۴ کتاب‌های خطی کتابخانه را فهرست‌نگاری و چاپ کرده‌اند که بعضی از آن نسخ منحصر به فرد است.

|| مصاحبه با حجت‌الاسلام
والمسلمین هادی قدس، امام
جماعت مدرسه علمیه رضویه ||

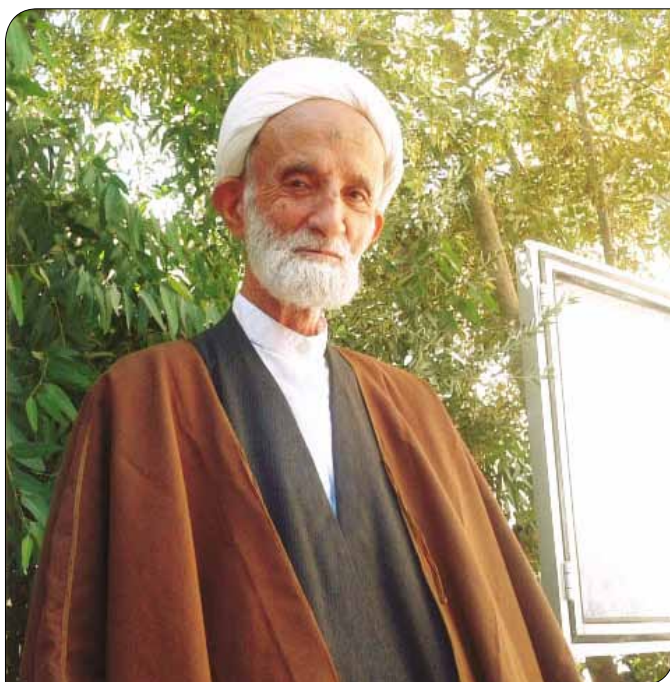
طلبه‌ها جدا درس می‌خواندند

■ از نحوه آشنایی‌تان با مدرسه رضویه
بفرمایید.

در قزوین استاد اخلاقی داشتم به نام حاج میرزا حسین قدسی زاهد، از شاگردان شیخ عبدالکریم حائری. ایشان در قم یک هم‌دوره‌ای داشت به نام شیخ غلامحسین دارابی شیرازی، که در میان مردم به شرعی شهرت داشت. ایشان سفارش کردند به قم که رفتید با شیخ غلامحسین تماس بگیرید. بنده آمدم قم و در مدرسه حجتیه خدمتشان رسیدم. منزلشان پشت مدرسه رضویه بود. آن زمان ایشان از طرف آیت‌الله بروجردی متولی مدرسه رضویه بودند و از شاگردان خوب حاج شیخ بودند و در رضویه مکاسب می‌گفتند. این اصل جریان آشنایی بنده است. اما دورانی که خودم با این مدرسه تماس درسی پیدا کردم، قریب ده سال است که به تدریس دروس اخلاق و امامت جماعت اینجا اشتغال دارم.

■ از نحوه مدیریت حاج شیخ غلامحسین شرعی در مدرسه رضویه مطلبی به خاطر دارید؟

حاج شیخ عبدالکریم حدود یکصد طلبه داشت که در زمان حقیقان رضاشاهی درس



روی آن غذا می‌خوردند و درس می‌خواندند. مدرسه در فصل تابستان پر از عقرب بود، ولی من هیچگاه نشنیدم کسی را عقرب نیش زده باشد. وضع مدرسه ناجور بود، ولی با این وجود طلبه‌ها جدا درس می‌خواندند. امیدوارم الآن طلاب جوایگوی زمان فعلی باشند و خوب درس بخوانند و تقوا را رعایت کنند.

■ حاج آقا از وقتی که گذاشتید تشکر می‌کنیم.

بنده هم تشکر می‌کنم. خداوند در دین و دنیا موفقتان بدارد که یاد علما و گذشتگان را نگه می‌دارید و رفعا له الذکری شامل حال شما شود.

می‌خواندند؛ اینها همه مجتهد شدند، از جمله مرحوم شرعی. ایشان در اداره مدرسه منظم بود. خودش هم از علما و زهاد شهر بود. هر شب یا حداقل یک شب در میان بین ساعت نه تا یازده از مدرسه بازدید می‌کرد تا ببیند چه کسی درس می‌خواند، چه کسی نمی‌خواند، چه کسی خوابیده است و در این کار مقید بود و اگر خلاقی از کسی می‌دید، قاطع عمل می‌کرد و می‌فرمود: نظم بدون قاطعیت به وجود نمی‌آید.

■ وضعیت و امکانات مدرسه در آن دوران با این زمان چه تفاوتی کرده است؟

در آن موقع امکانات کم بود، حجره‌ها نمور و مرطوب بود و طلبه‌ها تخته گذاشته بودند و

روشن سلیمانی



حجت‌الاسلام روشن سلیمانی یکی از شاعران موفق حوزوی است که در سال‌های اخیر حضوری فعال در دو عرصهٔ سرودن و برگزاری نشست‌ها و جشنواره‌های معتبر ادبی داشته است.

شعر ماه

در بهار سال ۱۳۵۴ در کوه‌رنگ استان چهارمحال بختیاری متولد شد. دوران کودکی تا جوانی خود را در شهر دزفول گذراند و از سال ۱۳۷۳ با ورود به مدرسهٔ علمیه امام محمدباقر علیه‌السلام شوش دانیال، زندگی طلبگی خود را آغاز کرد.

حاصل حضور وی در وادی شعر به‌ویژه در یک دههٔ اخیر، علاوه بر فعالیت‌های علمی - اجرایی چون مسئولیت واحد آفرینش‌های ادبی حوزه هنری استان قم، دبیری انجمن هنرهای ادبی استان قم، مسئولیت بخش ادبیات معاونت تبلیغی - هنری دفتر تبلیغات اسلامی و دبیری کمیته ادبیات جشنواره هنر آسمانی؛ سرودن و انتشار چند دفتر شعر فارسی، بختیاری و لری است که برخی از آنها با این عناوین منتشر شده است:

من روشنم (مجموعه شعر کلاسیک)، هر کس مرا پیدا کند مال خودش (مجموعه شعر سپید)، انگشترم را پس بده (مجموعه شعر کلاسیک)، وارگه افتو (مجموعه شعر لری)، بوی بهشت بوی خیابان (مجموعه شعر کلاسیک).

■ خاک بهشت

ساحل گواه ماست که ما زخم خورده‌ایم
ما موج زنده‌ایم که صد بار مرده‌ایم
ما راه‌راس نیست زطوفان طعنه‌ها
آیینه را به سنگ حوادث سپرده‌ایم
هر جا که می‌رویم پر از آه و آتشیم
خاک بهشت می‌شود آنجا که مرده‌ایم
چون کوه پرصلابت و چون موج سربلند
در سرنوشت حادثه‌ها دست برده‌ایم

■ برادر

آری کبوتر با کبوتر فرق دارد
چشمان لیلی خشک یا تر ... فرق دارد
لیلی تمام عمر مجنون خودش بود
مجنون همان لیلی است؛ ساغر فرق دارد
پیغمبران سرمست از یک جرعه بودند
اما پیمبر با پیمبر فرق دارد
دنیا پر از دل‌واپسی‌های غریبی است
هر روزمان با روز دیگر فرق دارد
لب تشنه جان می‌داد و مشک آب بر دوش
دیدی برادر با برادر فرق دارد؟

■ این ناله‌های کیست

این خیمهٔ شماس است که آتش گرفته است؟
یا خانهٔ خداست که آتش گرفته است؟

چشمان جبرئیل به خشکی نشسته‌اند
این چشمهٔ بقاست که آتش گرفته است
قرآن شنیدنی است ز سر بر فراز نی
تفسیر «هل آتی» است که آتش گرفته است
این ناله‌های کیست که از عرش می‌رسد
بال فرشته‌هاست که آتش گرفته است
خون خداست این که به خون آرمیده است
یا عرش کبریاست که آتش گرفته است
این خیمه گاه نیست که این قبله‌گاه ماست
این خانهٔ خداست که آتش گرفته است

■ حیدر نیست

دیگر هوای روزهای جبهه در سر نیست
آن «روزهای از خدا سرشار» دیگر نیست
ما مانده‌ایم و خاطرات زخمی دپروز
ماییم و چشمانی که از عشق خدا، تر نیست
یارب کجا رفتند آن مردان شیرافکن
در بوستان نام و نشانی از صنوبر نیست
مردم! چه شد دلواپسی‌ها مان برای هم
دیگر برادر با برادر هم برادر نیست
هرچند رفت آن روزهای آتشین، اما
خیبر فراوان فراوان است، حیدر نیست

امید مهدی نژاد



امید مهدی نژاد یکی از شاعران جوان حوزه است که توانسته حضوری موفق در دو عرصه شعر جدی و طنز داشته باشد. او متولد سال ۱۳۵۸ در شهر تهران است و از سال ۱۳۷۷ با ورود به مدرسه علمیه باقرالعلوم تهران به تحصیل دروس حوزوی پرداخته است. سرودن را از سال ۱۳۷۹ آغاز کرده است و کسب رتبه‌های مختلف ادبی در جشنواره‌های معتبری مانند شب‌های شهر یور، کنگره شعر و قصه طلاب، کنگره سراسری شعر دفاع مقدس، جشنواره شعر فجر، جشنواره هنر آسمانی و جشنواره طنز مکتوب، از جمله افتخارات او در این عرصه است.

مهدی نژاد در طول این سال‌ها حضور پر فراوانی نیز در مطبوعات سراسری کشور چون ماهنامه سوره، فصل نامه شعر، مجله راه، هفته‌نامه پنجره و... داشته است و آثار ادبی و طنز فراوانی را در این نشریات منتشر کرده است. او همچنین در حوزه نشر کتاب نیز شاعری پرکار است. برخی از آثار او عبارتند از: رجز مویه (شعر)، پیاده‌ها (شعر)، پیش از اقیانوس (شعر)، دادخواست (گردآوری، صد شعر اعتراض، با محمدمهدی سیار)، یک بغل کاکتوس (گردآوری، صد شعر طنز)، قهوه قندپهلوی (گردآوری، گزیده شعر طنز امروز).



■ ■ ■ به کاروان سالار شعر انقلاب علی معلم دامغانی

شاعر! از رجعت ستاره بگو
پیش از این گفته‌ای، دوباره بگو
از سکوت تو مرگ می‌زاید
چه نشستی به استخاره؟ بگو
خواب این خیل را پریشان کن
باز از تیغ و برگ و باره بگو
نعره‌ای... هان، سکوت را بشکن
ناگزیریم، راه چاره بگو
شب غیبت به سر نمی‌آید
حرفی از رجعت ستاره بگو
به‌صراحت نمی‌توانی اگر
به کنایت، به استعاره بگو
باده مولوی ست در جامت
مثنوی را به چارپاره بگو:
می‌شناسی رسم روزگار مونو
هرجوری رسم روزگار بگو

■ ■ ■
فرسنگ به فرسنگ علی ماند و علی
ای مرگ به نیرنگ، علی ماند و علی
در عرصه لاف کوفیان سردارند
در معرکه جنگ علی ماند و علی
در شور و شر حجاز تنه‌است علی
در نیمه‌شب نماز تنه‌است علی
ما نیز نمی‌فهمیم اندوهش را
با این همه شیعه؛ باز تنه‌است علی
سنگین شد کوه رنج بر دوش علی
در چاه افتاد آه خاموش علی
دنیا باشد برای اهلش، باشد
ای مرگ! بیا، بیا در آغوش علی

بعد عمری رفو شدن، نو شدن، زبر و رو شدن
در همان کاری ای فلک! سلفه می‌پروری هنوز...

■ ■ ■
آسمانا! به خون بخوان ماجرا را به گوش ابر
تشنه مانده‌ست بر زمین نخل بارآوری هنوز
دشنه‌ای در غلاف خون، بیرقی سبز سرنگون
می‌درخشد در آفتاب تیغه خنجری هنوز
لاله‌ها سبز می‌کنند خون گرم حسین را
آتش سرخ روشن است زیر خاکستری هنوز

■ ■ ■
جنگ است، فرزندان آرش! تیر بردارید
جنگ است، تیر از قبضه تکبیر بردارید
بار سفر بر دوش ما افتاد، بر خیزید
برجا عصایی مانده از آن پیرو، بردارید
در جاده‌ها - آنان که برگشتند می‌گویند
بوی حرامی می‌وزد، شمشیر بردارید
ای بیدهای سربه‌زیر باغ خواب‌آلود!
از سرگذشت سروها تأثیر بردارید
ما قهرمان داستان خون و شمشیریم
آینه‌های روبه‌رو! تصویر بردارید
بار دگر خون از زمین بر آسمان پاشید
باری، محترم می‌رسد، زنجیر بردارید

ازل برای ابد مُلک لایزالش بود
چه فرق می‌کند آخر که چند سالش بود؟
حریم عرش خدا بود سقف پروازش
تمام، وسعت عالم به زیر بالش بود
هم‌او که خون خدا را به شیر خود پرورد
بزرگ کرب و بلا طفل خردسالش بود

■ ■ ■
پس از غروب که خورشید راه خانه گرفت
چراغ کوچک شب قامت هلالش بود
زمین شب‌زده را رشک آسمان می‌کرد
اگر فزون‌تر از آن خطبه‌ها مجالش بود

■ ■ ■
بر ساحل شکافته پهلوی گرفته بود
ماهی که از ادامه شب رو گرفته بود
آرامشی عجیب در اندام سرو بود
گویا تنش به زخم تیر خو گرفته بود
دستی به دستگیره دروازه بهشت
دستی دگر بر آتش پهلوی گرفته بود
برخواست تا رسد به بهاری که رفته بود
آهو عجیب بوی پرستو گرفته بود
آن شب چگونه مرگ به بانو جواز داد؟
او که همیشه اذن ز بانو گرفته بود

■ ■ ■
پشت زمین شکست؛ خدا گریه‌اش گرفت
وقتی علی دو دست به زانو گرفته بود

■ ■ ■
ای گیاه برآمده! ابتری، بی‌بری هنوز
ای درخت خزان زده! از گیاهان سری هنوز
می‌پرید ای پرندگان روزی از قید آشیان
مانده بر شانه‌هایتان اثری از پری هنوز
ای دل، ای توده هوس! کی می‌آیی به راه پس؟
صبح شد، ظهر شد، ولی لازم بستری هنوز



کلیدهای

حسین سروقامت

اگر گردویی در مُشت خود دارید و مردم می‌گویند چه دُر و گوهری دارید، از حرف آنان غرّه نشوید. آنچه در مشت شماس، گردویی بیش نیست. اما اگر دُر و گوهر در دستتان بود و دیگران به تمسخر و تحقیر گفتند: این گردو چیست که در مشت دارید، نگران نشوید. شما دست پُری دارید از گوهر؛ و این کم چیزی نیست.

این را گفتم که اولاً بدانید آدم‌ها باید خودشان آراء و داشته‌ها و نداشته‌های خودشان را بشناسند و ثانیاً در حدّ و اندازه خود ظاهر شوند. این نکته قطعاً از آن کلیدهای طلایی است که در مدیریت تبلیغ به کارتان می‌آید.

من سال‌ها پیش که مثل برخی از شما سن و سال کمی داشتم برای تبلیغ به یکی از دانشگاه‌های کشور رفتم. جلسات خوبی با دانشجویان داشتیم ... تا کسی از اساتید پیشنهاد کرد که من در جلسه هفتگی آنان نیز سخنرانی کنم. عذرخواهی کردم و قبول نکردم. پرسیدند چرا؟ گفتم من چنان بضاعت علمی که از عهده سؤالات و شبهات اساتید دانشگاه برآیم، ندارم.

بعدها شنیدم که این حرف به گوش عالم آن شهر رسیده و گفته بود من فلائی را دوست دارم چون حد و اندازه خود را می‌شناسد.

درود و سلام بر امیرالمؤمنین که هزار و چهارصدسال پیش فرمود: «رحم الله من عرف قدره» خدا رحمت کند کسی را که قدر و اندازه خود را

درست است! همین که اسم جنس مخالف می‌آید، شاخک‌ها تیز می‌شود. گویا این موضوع حساسیت ویژه‌ای را در همگان برمی‌انگیزد. از این رو به این مقال که رسیدم، پای «معاشرت سنجیده» را وسط کشیدم.

ارتباط مبلغ با جنس مخالف، حرکت بر روی لبه تیغ است. یک سوی آن جریان‌اتی است شبیه آنچه از آن عالم فرهیخته حکایت می‌کنند که گفته بود من برای جلسات دینی و مذهبی بتوانم اهمیت فوق‌العاده‌ای، قائلم چون آنان هستند که نسل آینده را می‌سازند و این تعلیمات اسلامی به گونهای مستقیم به فرزندان آنان سرایت می‌کند و سوی دیگر، خود انسان است. خود مبلغ، خود روحانی ... که همواره در معرض خطر است و این وادی، وادی خطرناکی است که در آن خدای نکرده «... هفتاد سال عبادت، یک شب به باد می‌ره».

این هشدار، آنگاه جدی‌تر تلقی می‌شود که بدانید برخی از زن‌ها برای بعضی روحانیون دام‌پهن می‌کنند. چون می‌دانند آنان از جانشان بگذرند، از آبرویشان نمی‌گذرند ... و این دام از آن دام‌هایی است که اگر در آن افتادی، دیگر راه نجاتی نیست.

خب؛ ببینیم خطر از کجا آغاز می‌شود و کی و چه وقت باید از مکر شیطان ترسید!

– حاج آقا! مدتی است خواب‌های عجیب می‌بینم. همین دیشب خواب دیدم که در یک صحرای برهوت ...

– ببخشید، می‌توانم چند دقیقه با شما خصوصی صحبت کنم؟ حرفی



از مجاری صفاوی الگو بگیرد!

مهارت

از بعضی کارهای خدا تعجب می‌کنم! شاید شنیده‌اید که گاهی کیسه صفاوی انسان جرم می‌گیرد و پر می‌شود. پزشکان دستور می‌دهند که این کیسه صفا را برداشته شود. خب کیسه صفا را بر می‌دارند، اما کار به همین جا خاتمه پیدا نمی‌کند. وقتی شما غذای چرب می‌خورید کیسه صفاست که صفا تولید می‌کند و درون معده می‌فرستد و چربی را هضم می‌کند. اگر کیسه صفا نباشد چه؟ به قدرت لایتناهی خدا، مجاری صفاوی کار کیسه صفا را انجام می‌دهند. مجاری که کارش عبور صفا بوده است، حالا در این شرایط جدید و منطبق با نیاز بدن صفا تولید می‌کند!

... این از شاهکارهای خلقت خداوند است. من می‌خواهم از این مثال استفاده کنم و کمی از مدیریت بحران حرف بزنم. مدیریت بحران یعنی آنجا که دیگران به آخر خط می‌رسند و می‌گویند: دیگر امکان‌پذیر نیست، این امر شدنی نیست. کسی از راه برسد و بگوید: من انجام می‌دهم. همان کاری که به دست قدرتمند خدا مجاری صفاوی انجام می‌دهند.

یادم هست اوایل انقلاب که کردستان منطقه نامنی بود و هر روز غائله‌های گوشه و کنار این استان بر پا می‌شد، به وزیر کشور وقت گفتند فلان نقطه هم بحرانی شده است. او آستین پیراهنش را بالا زده و گفته بود: خب، مدتی است در این منطقه با مشکلی دست و پنجه نرم نکرده بودیم. برویم ببینیم می‌شود شاخ دشمن را اینجا شکست!

راننده‌های قدیمی حرف خوبی می‌زد. او می‌گفت توی اتوبان خلوت یک آجر هم روی پدال گاز بگذارید ماشین با سرعت سرسام‌آوری حرکت می‌کند. دست‌فرمان جایی معلوم می‌شود که چرخ جلوی خودرو و بت‌رکد یا بجای ناگاه وسط خیابان بپرد و ... اینجاست که مشخص می‌شود راننده واقعی کیست و چه کسی اسم راننده را یاد می‌کشد.

همه این حرف‌ها و مثال‌ها برای آن است که به مبلغ زیرک و دانا گوشزد شود که همیشه فضا برای کار تبلیغی مهیا نیست. گاهی شرایط سخت‌تر از آن است که فکرش را بکنید. مبادا از صحنه کنار بکشید. مبادا به خاطر سختی کار، محل تبلیغ خود را ترک کنید. اگر تهدیدی در زمینه فعالیت تبلیغی خویش مشاهده کردید، مبادا جا بزنید.

اولین کارتان این باشد که فکر کنید آیا می‌شود از این تهدید به عنوان یک فرصت بهره برد؟

سال‌ها پیش مبلغی همراه با خانواده خویش برای فعالیت دینی به کشوری سفر کردند. مدتی گذشت تا این مبلغ دانا دریافت تمام امکاناتی که گفته بودند در آنجا هست و آدم‌هایی که تو را کمک می‌کنند، وعده‌ای بیش نبوده است. چه باید می‌کرد؟

ماند و از تک‌تک اعضای خانواده خویش – همسر و فرزندان – نیروهای کمکی ساخت و با مدد آنان توانست هزار راه نرفته را در مدت کوتاهی طی کند. او توانست یأس و ناامیدی را از خویش مأیوس کند.

شما هم می‌توانید. کافی است در شرایط سخت از خود بپرسید: آیا من مدیر بحران هستم؟

مقصود

طلبه‌ماه

طلایی در مدیریت تبلیغ



در حدّ و اندازه خود ظاهر شوید!

سکوت کرد ...

پاسخ دوپهلورا هم کنار بگذارید، بدین جهت که مبدا مخاطب به ندانستن شما پی ببرد. حتی برای رد گم کردن نگوید این بحث اختلافی است بگویند مطالعه می کنم و جواب می دهم. اگر کسی را در بحث و مذاکره‌ای برتر از خود یافتید کار را به او واگذار کنید.

شیخ عباس قمی صاحب مفاتیح در صحن مسجد گوهر شاد منبر می‌رفت. ناگاه ملا عباس تربتی را پای منبر دید. از فراز منبر پایین آمد و او را جای خود نشاند و به مردم گفت شما دنبال واعظ خوبی می‌گردید ملا عباس از من بهتر است.

یک هشدار هم به شما بدهم. پیدایش تمام مکاتب انحرافی اثر ورود آدم ناصالحی است به عرصه‌ای که صلاحیت ورود به آن را ندارد. این حرف را خیلی جدی بگیرید.

سرانجام شما را سفارش کنم به این نکته از «سوگندنامه نویسندگان مسلمان» که در کتاب ارزشمند کتاب پژوهی اثر خامه محمد اسفندیاری بیان شده است. سوگندنامه‌ای که بیش از ۸۰ بند دارد و بیانگر آیین اخلاقی نگارش و ادب نویسندگی است اما اختصاص به نویسندگان ندارد: پس از سوگند به خدای دانا و شنوا: «در باره آنچه نمی‌دانم یا دانسته‌هایم کافی نیست، توقف کنم و از اظهار نظر بپرهیزم».

بشناسد

این مطلب در گذشته هم اهمیت داشت، اما امروزه به خاطر گستردگی دستیابی مردم به اطلاعات علمی و فرهنگی اهمیت بیشتری دارد. استاد شهید مرتضی مطهری در سخن جالبی به همین مورد اشاره می‌کند: «در زمان مرحوم مجلسی مردم فقط از یک رسانه، یک صدا می‌شنیدند و آن صدای علما بود و صداهای دیگری در کار نبود که مردم بگویند تو چیزی گفتی، دیگران هم چیزی می‌گویند یا آنها بهتر از تو حرف می‌زنند اما الآن وضع فرق می‌کند».

خب، چه کنیم؟ اگر بخواهیم کاربردی حرف بزنیم که این دأب و روش ما در این گفتارهاست به این نکات توجه کنید:

تا می‌توانید مطالعه کنید. لازم نیست به اصطلاح کلاس بگذارید! اگر چیزی را نمی‌دانید بگویید نمی‌دانم. لایذ شنیده‌اید: «لا ادری نصف العلم» کلمه نمی‌دانم نیمی از علم است، چون این مقدمه دانایی است.

آیت‌الله العظمی بروجردی گاهی در جواب بعضی سؤالات می‌فرمود: نمی‌دانم، نمی‌دانم، نمی‌دانم، تا طلبه‌ها از مرجع خویش یاد بگیرند. تظاهر به دانایی نکنید همان که هستید، باشید. در روایت خیلی زیبایی آمده است اگر می‌خواهید عقل کسی را در زمان کوتاهی بسنجید چیزی را که در او نیست، به او نسبت دهید اگر عکس العمل نشان داد آدم عاقلی است اما اگر

مقصده

طلبه ماه



با جنس مخالف سنجیده معاشرت کنید!

مبلغ در محیط تبلیغی فرسنگها بعید است!

یادم هست چند سال پیش از کسی که به خاطر روابط نامشروع کارش به چوبه دار کشیده بود پرسیدند توصیه‌ای به دیگران داری؟ گفته بود از صیغه و ازدواج موقت برای تنوع و تفریح استفاده نکنید. چون کار به آنجا خاتمه پیدا نمی‌کند و می‌رسد به جایی که اکنون من رسیده‌ام.

قبول دارم و از عمق جان پذیرفته‌ام که پاکی و سلامت نفس در میان شما مخاطبان عزیزم به مراتب بیشتر از سایر اقشار است. اما از آنجا که، هیچ کدام معصوم نیستیم و همواره انسان در معرض خطر است، این چند توصیه را از برادر کوچک خود بپذیرید:

- جلسات شما با نامحرمان کوتاه، گویا، جمعی و در محل تردد افراد باشد. سنگینی و متانت شرط معاشرت با جنس مخالف است.
- جنس سخن گفتن با نامحرمان باید آکنده از عفت کلام و خالی از ناز عشوه و خنده باشد. برخورد زنان با مردان همواره باید به گونه‌ای باشد که راه طمع را در آنان ببندد!

- در جلسات دو جنس نباید حاشیه وجود داشته باشد. همه جور حرفی نباید گفته شود، احادیث ویژه نباید بیان شود، بحث‌ها نباید به پروری و جسارت دامن بزند و در یک کلام حریم‌ها باید حفظ شود.

کوتاه سخن آنکه در امر تبلیغ از معاشرت با جنس مخالف چاره‌ای نیست، اما باید به قدر ضرورت باشد مثل نمک در غذا؛ که اگر از حد گذشت ...؟

بگذریم، خود بهتر می‌دانید!

هست که غیر از شما با هیچکس دیگری نمی‌توانم بگویم، البته مدتی است با خودم کلنجار می‌روم که این حرف گفتنی هست یا نه!

- شما شاگرد خصوصی هم قبول می‌کنید؟ می‌دانید توی جمع نمی‌شود راحت حرف زد ...

- دو تا استخاره می‌خواستم یکی برای فعل، دیگری برای ترک ... عیبی ندارد بگویم برای چه استخاره گرفتیم؟

یک بار دیگر این جملات را مرور کنید. نمی‌خواهم بگویم از هر کسی که این گونه با شما سخن گفت بترسید، می‌خواهم بگویم که شیطان خیلی از اوقات این طور دام خود را پهن می‌کند. بعد آهسته آهسته انسان را به وادی خلوت می‌کشاند. همان نقطه ناامنی که شما هستید و یک نامحرم و نفر سوومی که جز شیطان نیست!

آنگاه وسوسه‌های دیگر؛ دلچسب‌تر و فربنده‌تر: این آدم کیسول استعداد است. خدا می‌داند چه نیوگی در او وجود دارد. می‌ارزد که آدم ساعت‌ها وقت صرف او کند.

از خدا پنهان نیست و از شما هم؛ که خودتان می‌دانید این حرف‌ها فقط حرف است و عقبه‌ای ندارد جز میل و هوس!

بعد هم ناز و عشوه‌ای که او به خرج می‌دهد و شوخی و مزاح و ... البته ساحت شما پاک‌تر و عقیق‌تر از آن است که بتوان آن را لکه‌دار کرد. داریم باهم گفتگومی کنیم.

شاید هم گوشه و کنار، حرفی از ازدواج موقت پیش آید که حقاً و انصافاً از

آداب سخن گفتن را بیاموزید!



شنیده‌ای که در فن بیان و سخن نوعی سحر و جادو نهفته است! شما در مدیریت تبلیغ موفق خواهید شد اگر به این مقوله، توجه جدی داشته باشید. از چهره و لبخند و انبساط خاطر که بگذریم، آنچه مردم را در کمتر از ۳۰ دقیقه شیفته شما می‌کند، طرز سخن گفتن شماست.

برای همین جهت از قدیم الایام در حوزه‌های علمیه «تمرین المنبر» متداول بوده است. اگر در مدرسه علمیه‌ای که درس می‌خوانید این مهم وجود دارد، در آن شرکت کنید و اگر نیست، حتماً آن را راه‌اندازی کنید.

خدا رحمت کند مرحوم فلسفی راه، او که استاد مسلم سخن و خطیب نخست مقطعی از تاریخ معاصر ماست.

در خیلی از حوزه‌های علمیه تمرین المنبر طلاب فاضل در حضور ایشان صورت می‌پذیرفت. حرفهای جالبی به منبری‌ها می‌گفت. حرفهایی که نشانه تسلط وی به مقوله سخن و سخنرانی است:

- تو چرا هنگام خواندن آیات بهشتی، قیافه جهنمی به خود می‌گیری؟!

- دست شما خیلی بزرگ است، وقتی هنگام سخنرانی دست خود را تکان می‌دهید، حواس مردم را پرت می‌کنید.

- تو منبری خوبی می‌شوی، ولی از اول تا آخر منبر با تسبیح خود بازی می‌کنی!

- چرا از اول تا آخر سخنرانی یکنواخت حرف می‌زنی؟ چرا یک نقطه را نگاه می‌کردی؟

- یک منبر بیست دقیقه‌ای این همه آیه و روایت لازم ندارد. در خواندن آیه و روایت افراط می‌کنی.

- فلان آیه‌ای را که خواندی، یک کلمه را جا انداختی، می‌دانی اگر این اتفاق در یکی از محافل اهل سنت رخ می‌داد، چه مشکلی پیش می‌آمد؟ همان وقت وسط مجلس کسی بر می‌خاست و اعتراض می‌کرد.

اگر می‌خواهید مجموعه‌ای از این فنون را در یک کتاب مطالعه کنید، «سخن و سخنوری» مرحوم فلسفی را پیشنهاد می‌کنم. این کتاب برای مدیریت تبلیغ یک کتاب مرجع است.

اکنون که دامنه سخن به بیان فنون سخنوری رسید، اجازه دهید اندکی از فوت کوزه‌گری این هنر برایتان بگویم.

ماجرای فوت کوزه‌گری را که شنیده‌اید. داستان شاگرد کوزه‌فروشی که تصمیم گرفت از استاد خود جدا شود و کارگاه مجزایی دست و پا کند، اما هرچه می‌کرد کوزه‌هایش رنگ پریده و مات می‌شدند.

خب؛ از مهم‌ترین‌ها آغاز کنیم: کوتاه و مختصر سخن بگویید. به تعبیر بزرگی، سخنرانی سه بخش دارد. در یک ربع اول مخاطب هم گوش می‌دهد و هم دل، در ربع دوم فقط گوش می‌دهد دل نمی‌دهد، در ربع سوم ممکن است فحش هم بدهد!

کلام خود را با یک سؤال یا معما یا داستان یا لطیفه آغاز کنید. حداقل خوبی این کار آن است که حواس‌های پراکنده را جمع می‌کند. سنجیده و مرتبط سخن بگویید، به وقت مردم جدا اهمیت بدهید و از تکرار - تأکید می‌کنم تکرار - به شدت پرهیز کنید.

جوانی پس از سخنرانی عالمی بزرگ به خود من گفت فلانی چرا آقایان این همه سخنان خود را در قالب‌های مختلف تکرار می‌کنند؟ همیشه صریح و شفاف سخن نگویند، گاهی نتیجه‌گیری را به مخاطب واگذار کنید. از بیان حرفهایی که عقل آنها را نمی‌پذیرد، اجتناب کنید. مبالغه و بلندپروازی نکنید، حرف چندپهلوی نزنید، خواب و رؤیا هم کمتر تعریف کنید!

با کمال تأسف، نسل امروز از نصیحت‌ها و موعظه‌های رودررو و مستقیم‌گیریزان است. نمی‌گویم موعظه نکنید اما این نکته را در نظر داشته باشید.

اگر در مجلسی علما نیز حضور دارند، در آغاز سخن چند کلامی با آنان حرف بزنید، آنگاه عذرخواهی کرده، مخاطب خویش را عامه مردم قرار دهید.

در سخنرانی سیاه‌نمایی نکنید، کفه ترازوی امیدواری در سخنان شما سنگین‌تر از کفه خوف و ناامیدی باشد. اگر از تاریخ سخن می‌گویید یا خاطراتی تعریف می‌کنید، مراقب باشید در حاشیه آنها بدآموزی نباشد! اجازه دهید این بحث را با خاطره کوتاهی از مرحوم فلسفی به پایان ببرم؛

- پزشکی از دنیا رفته بود. در مراسم ختم او سخن می‌گفتم و به مناسبت، مطالب گوناگونی از علم پزشکی بیان کردم. در پایان مجلس کسی نزد من آمد و گفت آقای فلسفی، ما این مطالب را و بالاتر از اینها را در آخرین ژورنال‌های پزشکی مطالعه می‌کنیم. امروز آمده بودیم ببینیم شما از پیغمبر (ص) برای ما چه دارید!

به هر کجا رسیدیم یادمان نرود ما آمده‌ایم از خدا و پیغمبر برای مردم حرف بزنیم!



با برکت باشید، هر جا که هستید!

مثل گوشی موبایلی نباشید که ده‌ها امکان ویژه در آن تعبیه شده، ولی ما فقط از آن برای تلفن کردن استفاده می‌کنیم!

۳. اندکی - و فقط اندکی - به تأثیر مثبت آدم‌های با برکت فکر کنید. علامه مجلسی در عمر نه چندان دراز خویش چگونه ۱۱۰ جلد بحار الانوار را نگاشت؟ علامه امینی با آن امکانات اندک چگونه همه روایات غدیر را بدست آورد و الغدیر عظیم و ژرف را نوشت؟ علامه عسگری چگونه اینچنین گسترده و پرشتاب پیش رفت که در اواخر عمر گفت من اکنون بر مدار ثانیه‌ها حرکت می‌کنم!

اصلاً چرا راه دور برویم همین عالم فرزانه دوران خودمان جناب حجت الاسلام قرائتی؛

مکت کوتاهی کنید: سی و اندی سال برنامه قرآنی تلویزیونی، نهضت سوادآموزی، اهتمام کشوری به نماز، عضویت در گروه تفسیر نمونه، احداث صدها مسجد بین راهی در جاده‌های کشور، زنده کردن فرهنگ زکات، آن همه نوشته و کتاب به ویژه تفسیر گرانقدر نور ... تا کار او بدانجا رسید که خود در کلمه‌ای رمز آلود به من گفت چند تن از مراجع تا به حال به من گفته‌اند ما به احوال تو غبطه می‌خوریم، اما من تا کنون به حال هیچ مرجعی غبطه نخورده‌ام.

۴. این اعتراف قرآنی را از حضرت عیسی علیه‌السلام بارها و بارها تکرار کنید: «وجعلنی مبارکاً ایمناً کنت» خداوند هر جا که باشم، مرا مبارک قرار داده است. از خدا بخواهید شما را هم، مانند او برکت عطا کند.

۵. شما خودتان را و کارتان را هیچ بشمارید ... پیمان‌تان را خالی ببرید تا خدا آن را پر کند.

محدث قمی گفت مفاتیح الجنان که چیزی نیست. گردآوری تعدادی دعا که کار مهمی نیست، هر چه هست من آن را به حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله علیها هدیه می‌کنم. خدا چنان پیمان‌هایش را پر کرد که کمتر خانهای خالی از مفاتیح است!

اگر خودتان را و کارتان را به چیزی گرفتید، هزار خرمن طاعت را به نیم جو بر نمی‌دارند!

بهوش باش که هنگام باد استغنا

هزار خرمن طاعت به نیم جو نهند

۶. قدم اول را ولو به تنهایی بردارید و تا می‌توانید سنت حسنه بر جای گذارید.

امام راحل رحمه‌الله علیه قصد کرد به تنهایی در راه خدا قیام کند، انقلاب اسلامی او مرزهای عالم را در نوردید!

۷. ... و سرانجام از آدم‌های پر برکت رمز و راز برکت کارشان را بی‌پرسید. شاید نکته‌ای گفتند که من در اینجا به آن اشاره نکرده‌ام.

هیچ‌یک از ما نیست که تا کنون کلمه «برکت» را شنیده باشد؛ عجب عمر با برکتی ...

فلانی دستش برکت است ...

چه غذای با برکتی! خدا زیاد کند ...

حقاً و انصافاً که ماه رمضان، ماه مبارکی است!

اما هیچ فکر کرده‌اید که برکت یعنی چه؟

قرآن می‌گوید آنچه نزد شماست - و با شما گره خورده بی‌برکت و - فانی است و آنچه نزد خداست - و با او پیوند خورده با برکت و - باقی است

حکایت آن قربانی پیامبر را که شنیده‌اید. از همسرش پرسید با گوشت قربانی چه کردید؟ گفت همه را دادیم فقیر و تمام شد، فقط یک رانش برای خودمان ماند. حضرت فرمود: هم‌هائش ماند، فقط یک رانش تمام شد و از دست رفت!

در تعبیر دیگری برکت یعنی بهره‌برداری کم از امکانات، سوددهی زیاد به مردم.

چونان امیرالمؤمنین علیه‌السلام که سهمش از دنیا قرص نانی است یا کهنه پیراهنی! اما سودش برای مردم بی‌حد و حضر.

شاید هم مقصود فراوانی و ماندگاری نعمت است که هر سو بنگری، خوان نعمت گسترده باشد.

به این مثال اندکی توجه کنید: گوسفند سالی یک بار می‌زاید؛ یک بره، سگ سالی دو بار می‌زاید؛ هر بار هفت تولد. یعنی چهارده به یک!

اما شما در بیابان‌ها و مراتع گله گوسفند می‌بینید یا گله گله سگ؟ می‌گویید گوسفند، اما چرا؟ چون خداوند در گوسفند برکت قرار داده، در سگ برکت قرار نداده است.

دوست دارید بشمارم برخی از اسباب برکت را؟ صله رحم، میانه‌روی، نظافت، ازدواج، مشورت با خردمندان، عبادت بیمار، آسان‌گیری در داد و ستد، غذا خوردن دسته جمعی، اطعام دیگران و ...

اینها را شما می‌دانید. اگر هم بیشتر طالبید، نشانی: کتاب خیر و برکت از آیت الله ری شهری.

بگذریم؛ سخن من سخن دیگری است. شما در مقام مبلغ چگونه تدبیر کنید که هر قدمی که از قدم بر می‌دارید مبارک باشد؟

۱. بدانید و سخت معتقد باشید که برکت از آن خداست و اوست که باید ببخشد و عطا کند. به پیامبر برکت کوثر را عطا کرد، تمامی سادات عالم از آن سرچشمه‌اند. دشمن او را نیز ایتر قرار داد، احدی از نسل او باقی نیست.

۲. خودتان را و استعدادها و ظرفیت‌های خودتان را خوب بشناسید.

فقه و اصول

ستون فقرات حوزه است

گفت‌وگویی صمیمی با حجت‌الاسلام محمد حاج ابوالقاسمی

گفتگو از: محسن صفری

یک
طلبه

نخستین مصاحبه با یک طلبه جوان و موفق حوزه، در منزل ساده و بی ریای او شکل گرفت. در منزل یکی از طلاب موفق و جوان حوزه که به نظر می‌رسد کمتر روزی از عمرش را به بطالت گذارنده باشد؛ طلبه حافظ قرآنی که تبلیغ و تدریس و پژوهش را از سال‌ها پیش مشق روزانه زندگی خود کرده است. حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حاج ابوالقاسمی، اولین طلبه موفق است که میزبان گفت‌وگوی این صفحات شده است. آنچه در ذیل از نظر تان می‌گذرد باز تاب گفت‌وگوی حاشیه با ایشان است.

علمیه است. نوعاً در درس فقه، آیات الاحکام بیان می‌شود، ولی بقیه آیات کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. گذراندن دوره‌های تخصصی تفسیر برای طلاب، کمک شایانی به موفقیت آنان در عرصه تبلیغ می‌کند. در کنار قرآن، روایات ما نیز مهجور مانده‌اند. غیر از روایاتی که در فقه، روی آنها بحث می‌شود، بخش عظیمی از روایات اهل بیت علیهم‌السلام از جمله کتاب شریف اصول کافی، در عرصه‌های گوناگون، از جمله اخلاقی و اعتقادی و... مورد غفلت واقع شده است. طلبه باید مدیریت زمان داشته باشد و از روزهای زندگی و درس و کار خود نهایت بهره را ببرد. به عنوان مثال در بحث حفظ قرآن، بنده در ایام تحصیل روزی نیم ساعت کار می‌کردم، ولی در روزهای تعطیل حوزه، وقت بیشتری به حفظ و تفسیر قرآن اختصاص می‌دادم. چون حفظ قرآن کمک شایانی به تسلط در تفسیر دارد و عکس این رابطه نیز صادق است.

منطق، فقه و اصول مرحوم مظفر و... مشغول بودم. پس از ورود به سطح عالی، به مدت هفت سال در مدرسه آیت‌الله العظمی بروجردی علیه‌السلام (خان) در دروسی چون رسایل و کفایه به تدریس پرداختم. امسال نیز دروس رسایل و کفایه را در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام تدریس می‌کنم. همچنین در مرکز جامع فقه و اصول نیز، کسوت استادیاری فقه و اصول را بر تن دارم.

با سلام، ضمن معرفی خودتان، سوابق علمی و تحصیلی خود را شرح دهید.

بنده متولد سال ۱۳۵۴ در شهر مشهد مقدس هستم. در سال ۱۳۶۱ به همراه خانواده از مشهد به قم مهاجرت نمودیم. در آن سال بنده در دبستان مشغول به تحصیل بودم و به خاطر عشق به تحصیل در حوزه، از سبزه سالگی، یعنی در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه شدم. در مدت چهار سال، دروس شش سال اول مدارس علمیه را با موفقیت گذراندیم و در سال ۱۳۷۱ در دوره سطح، تحصیلات حوزوی خود را ادامه دادم. در این دوره نیز در درس استادی گران قدری همچون حجت‌الاسلام والمسلمین اعتمادی، مرحوم یابانی و احمدی شاهرودی (در درس کفایه) حضور یافتیم و پس از چهار سال، در درس خارج شرکت کردم. بعد از دو سال تحصیل در سطح خارج، در آزمون ورودی مدرسه فقهی حضرت بقیه الله علیهم‌السلام با مدیریت آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی و آیت‌الله شیخ مهدی شب‌زنده‌دار، از بین یکصد داوطلب، پذیرفته شدم و به مدت ده سال در این مدرسه به تحصیل و تحقیق و تدریس پرداختم.

در این مدت، چندین مقاله فقهی و اصولی ارائه کردم و رساله علمی سطح سه را با نمره عالی قبول شدم. در کنار تحصیل از سال سوم طلبگی، به تدریس نیز پرداختم و پانزده سال در مدارس علمیه گوناگون، از جمله شهیدین و کرمانی‌ها به تدریس دروسی چون ادبیات،

شما سابقه تحصیل در مدرسه تخصصی فقه را دارید. این مدارس چه مزیت‌هایی دارند و طلاب چگونه می‌توانند عدم حضور خود در این مدارس را جبران کنند؟
تحصیل در مدارس فقهی، زمینه را برای استفاده بهتر طلاب از دروس فراهم می‌کند. در این مدارس طلاب را با کلاس‌هایی به منزله پیش‌مطالعه قوی و آماده سؤال و پرسش می‌کنند. در واقع کار اصلی این دروس، تکمیل کار اساتید بیرون از این فضاست. اگر کسی امکان حضور در این مدارس را ندارد، می‌تواند با کمک اساتیدش، حلقه‌های کوچکی را ایجاد کرده و دروس بعدی استادان را با کمک استادیار مطالعه و مورد نقد قرار دهد و همچون مباحثه‌های کتب فقهی، زمانی که استاد در کلاس حاضر می‌شود باید به دنبال نقدگیری از استاد باشد. این کار هم سطح طلبه را بالا می‌برد، و هم موجب ارتقای سطح علمی استاد می‌شود.

فعالیت‌های قرآنی، بخش چشمگیری از موفقیت‌های شما را تشکیل می‌دهد. ضمن بیان تلاش‌ها و موفقیت‌های خود، چه توصیه‌ای به دیگر طلاب، به‌ویژه طلاب جوان دارید؟

از سال ۱۳۶۸، حفظ قرآن را از پایه دوم حوزه، به طور تخصصی آغاز کردم. در مدت چهار سال، با لطف خداوند متعال، حافظ کل قرآن کریم شدم. همواره در کنار فعالیت‌های درسی، به حفظ و مباحث تفسیر قرآن مشغول بودم و در مسابقات مختلف ملی و بین‌المللی نیز عناوینی کسب کردم که از آن جمله می‌توانم به رتبه دوم در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم عربستان در رشته حفظ و تفسیر، مقام دوم در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم مصر و رتبه اول مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ایران در رشته تفسیر و حفظ اشاره کنم. کم برداختن به قرآن، یکی از نقایص حوزه‌های

مقصد

طلبه‌ماه



■ چه تجربیاتی در امر تبلیغ داشته‌اید؟

در این سال‌ها در کنار تحصیل و تدریس و تحقیق، به این امر نیز به طور مداوم اهتمام داشتم. شرکت در برنامه‌های رادیو معارف و رادیو قرآن و در شبکه سوم سیمای جمهوری اسلامی ایران، از جمله فعالیت‌های بنده در این زمینه بوده است. علاوه بر کار رسانه‌ای، در برنامه‌های تبلیغی سنتی (منبر و عظ و خطابه) فراوانی نیز در کشور و خارج از کشور، در بین اقشار گوناگون حضور یافته‌ام. از جمله کشورهای خارجی که برای تبلیغ به آنجا اعزام شدم، کشورهای سوریه، لبنان، عربستان، مصر، سوئدان، موزامبیک، الجزایر، امارات، ترکیه و آلبانی شایان ذکرند. به لطف خدا، تا کنون چهار مرتبه به عنوان روحانی مبلغ، با عمره دانشجویی و به عنوان روحانی کاروان‌های حج، اعزام شده‌ام که یکبار نیز در این زمینه به عنوان مبلغ نمونه اردوهای دانشجویی انتخاب شدم. برای موفقیت در تبلیغ باید به دو عنصر نیازسنجی و ادبیات مخاطب توجه شود. مبلغ موفق، مبلغی است که پیش از شروع سخنرانی و کار تبلیغی، به وسیله نشست‌های کوچک، با عده‌ای از افراد منطقه هدف، با نیازهای ذهنی و فکری آنان آشنا شود. در کنار این امتیازات، یک طلبه و مبلغ می‌بایست به سبک و سیاق بزرگان دین و حوزه، از سجایای اخلاقی، از جمله سعه صدر، تواضع، دلسوزی، عشق خدمت به مردم و جلب رضایت خدا، اخلاص و... برخوردار باشد.

■ بسیاری از طلبه‌های جوان، احساس می‌کنند که اگر بخواهند به امر تبلیغ بپردازند، ابتدا باید دروس حوزوی خود را کامل کنند، آنگاه به فکر تبلیغ باشند. ولی شما چنین نکردید.

این تصور اشتباهی است که یک طلبه حتماً باید تحصیلات حوزوی خود را به یک سطح خاص برساند و سپس وارد تبلیغ شود. استفاده

از فرصت‌های تبلیغی مهمی همچون رمضان و محرم که مدارس علمیه نیز تعطیل است برای طلاب جوان اهمیت بسیاری دارد که نباید این فرصت را از دست بدهند. طلبه باید در جامعه حضور داشته باشد تا زکات دانشی را که فراگرفته است، به جامعه بپردازد. یکی از مزایای حضور طلاب در تبلیغ، این است که با این کار از جامعه نیز دور نمی‌افتیم و می‌توانیم سیر تفکرات جامعه امروز را رصد کنیم. وقتی نیازهای جامعه را می‌بینیم، انگیزه‌های ما برای رفع این نیازها و مشکلات نیز بیشتر می‌شود. وقتی سؤالی در ذهن‌تان نقش می‌بندد، آن وقت بسیاری از مطالبی که دیگران با نگاه سطحی از کنار آن عبور می‌کنند را با نگاه عمیق‌تری می‌بینید و بهتر می‌توانید آن مشکل را رفع کنید؛ در اینجا است که می‌توان عالم مفیدی برای اجتماع بود، زیرا عالمی که تفکرات انتزاعی در ذهن او موج می‌زند، نمی‌تواند برای جامعه امروز منشأ اثر باشد.

■ چرا فقه و اصول را محور تحصیل و تدریس خود قرار داده‌اید؟

به قول مقام معظم رهبری، فقه و اصول ستون فقرات حوزه است. طلبه‌ای که اصول و فقه نداند، در هیچ علمی نمی‌تواند اظهار نظر دقیقی داشته باشد. فقه و اصول ابزار اصلی استنباط علوم اسلامی است. هر طلبه‌ای که بخواهد در هر زمینه‌ای کار کند، باید در حد اجتهاد، به اصول و فقه مسلط باشد و در فقه نیز به مشی علما، یا به قول امام راحل «فقه جواهری» عالم باشد.

■ یکی از مسایلی که امروز بسیاری از طلاب جوان گرفتار آن هستند، سخت‌گیری و وسواس نسبت به ملبس شدن است. شما درباره‌ی زمان ملبس شدن چه نظری دارید؟

به‌طور کلی لباس روحانیت، لباسی مقدس و لباس امام زمان عجل الله فرجه است. بنده سخت‌گیری در

این موضوع را از طرف خود طلاب و یا حوزه، به صلاح نمی‌دانم. این نیست که یک طلبه حتماً باید به یک سطح عالی از دروس حوزه برسد و بعد به ملبس شدن اقدام کند. این لباس، لباس تقواست و لباسی است که هر طلبه‌ای برای پوشیدن آن باید مشتاق باشد. طلاب بعد از پایه ششم می‌توانند ملبس شوند، زیرا لباس روحانیت، کارکردهای مهمی در امر تبلیغ دارد. البته در این زمینه اگر طلبه در زمینه اخلاقی نقاط ضعفی دارد، نمی‌تواند این مسئله را توجیه مناسبی برای ملبس نشدن، عنوان کند؛ بلکه باید به سرعت مشکل خود را حل کند. این امانتی است که از نسل گذشته به ما رسیده و ما نیز باید با حفظ حرمت، آن را به نسل‌های آینده منتقل کنیم.

■ جناب آقای حاج ابوالقاسمی، شیرین‌ترین خاطره‌ای را که از دوران طلبگی خود دارید، برای مخاطبان حاشیه بیان کنید.

خاطره‌ای که همواره نقش کلیدی در خستگی‌ناپذیری دوران تحصیل و افزایش چندبرابری انگیزه‌های من در این مسیر داشته است، به زمانی برمی‌گردد که قرار شد برای مراسم ملبس شدن به خدمت مقام معظم رهبری برسیم. در این گونه مراسم، اطرافیان آقا، پس از عمامه‌گذاری هدایایی را برای تازه ملبس‌شدگان آماده می‌کنند و به ایشان می‌دهند تا در بین افراد توزیع کنند. زمانی که نوبت به اهدای هدیه‌ای از سوی رهبر انقلاب به بنده رسید، یکی از اطرافیان به آقا عرض کرد که این طلبه، حافظ کل قرآن است. در این هنگام، مقام معظم رهبری فرمودند که بنده می‌خواهم شخصاً هدیه ویژه‌ای به ایشان تقدیم کنم، بعد به سمت منزل حرکت کردند، پس از تشریف‌فرمایی مجدد، یک سکه بهار آزادی به من هدیه دادند که شیرینی و حلاوت این اتفاق خجسته، تا سال‌های سال کام مرا معطر کرده است و همین مسئله، عاملی شد که بر تلاش خود در این مسیر بیافزایم.

اندیشه‌های تاثیرگذار بر ایران معاصر

معرفی سه کتاب با موضوع جریان‌شناسی



اندیشه اسلامی، به چاپ رسیده است.

بر این کتاب زده‌اند که از چاپ سوم به بعد در کتاب موجود است.

۳. جریان‌شناسی چپ در ایران

بررسی پیدایی، تطور و افول جریان چپ در ایران منوط به بیان اندیشه و نظریه‌های مارکسیستی، به لحاظ نظری است که مشی عملی این نظریه‌ها در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی بروز و ظهور یافته است. کتاب جریان‌شناسی چپ در ایران، پس از این تبیین، دوره آغازین جریان چپ در ایران (از مشروطیت تا شهریور ۱۳۲۰) را مورد بررسی قرار داده و سپس در فصلی دیگر به تفصیل به جریان چپ در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ تاریخ معاصر ایران پرداخته است؛ در فصل چهارم کتاب، تحولات جریان چپ در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ (تا پیروزی انقلاب اسلامی) کاویده می‌شود و در پایان، جریان چپ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به صورت کامل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کتاب جریان‌شناسی چپ در ایران، به تألیف حمید احمدی حاجی کلایی، از سوی انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در قطع رقعی با تعداد صفحات ۵۰۴، صفحه قابل تهیه است.

۲. جریان‌شناسی سیاسی در ایران

این کتاب توسط دکتر علی داریابی تدوین شده است. فصل اول به کلیات و مبانی پژوهش، مفاهیم، ادبیات، پیشینه، پرسش‌ها، فرضیه‌ها و متغیرها اختصاص دارد. در فصل دوم - جریان‌شناسی سیاسی در ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ - پنج جریان مذهبی یا اسلام‌گرا، ناسیونالیست یا ملی‌گرا، چپ یا مارکسیست، ترکیبی و التقاطی و بالاخره جریان‌های مذکور، حاملان و سخن‌گویان آنها مطرح شده است. فصل سوم کتاب به جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا در جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، درج آخرین فهرست احزاب و تشکل‌های سیاسی در ایران امروز، به عنوان ضمیمه کتاب، در قسمت پایانی کتاب آورده شده است.

گفتنی است که چاپ هشتم این کتاب، با تعداد ۶۳۴ صفحه، در قطع رقعی، در سال جاری از سوی انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و

۱. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی و سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی) تحولات سیاسی شگرف و دامنه‌داری که به صورت انقلاب یا رفرم در جامعه‌ای پدید می‌آید، بی‌شک سلسله‌ای از تحولات فرهنگی، معرفتی و بینشی را پشت سر گذاشته است. انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ از این قاعده مستثنا نیست. اثر حاضر، مروری است بر تاریخ تحولات فرهنگی، با تأکید بر رخدادهای فرهنگی - سیاسی که در انقلاب اسلامی، پایه و اساس قرار گرفته است. این اثر، در پاسخ به این پرسش، نگاشته شده است که با وجود نیروهای معارض فراوانی که سال‌ها با رژیم پهلوی درگیر بودند، چگونه رهبری انقلاب در اختیار نیروهای مذهبی قرار گرفت و انقلاب به صورت یک انقلاب اسلامی درآمد؟ چه نوع تحولات فرهنگی در پشت سر این انقلاب سیاسی قرار داشت و طی بیش از سه دهه، چه نخله‌های فکری دینی و مذهبی در ایران پدید آمد که توانست بینش لازم برای این تحول سیاسی را پدید آورد؟ رسول جعفریان در این کتاب، از فعالیت نهادهای مردمی مذهبی از دهه بیست و سی می‌گوید و به سازمان مجاهدین خلق می‌رسد، اطلاعاتی از شریعتی و حسینیه ارشاد، به خواننده می‌دهد. این کتاب اکنون در شمارگان دوهزار نسخه، به ویراست نهم خود با اصلاحات و افزوده‌هایی، توسط خانه کتاب به چاپ رسیده است. بخش بنی‌صدر و محمود حکیمی و برخی فعالان ادبیات مذهبی کودک و نوجوان، از جمله افزوده‌های این ویراست است. لازم به ذکر است که رهبر معظم انقلاب، تحشیه‌هایی

مقصد

طلبه‌ماه

اخبار
کتاب

روحانیون در طول تاریخ، برای طلبه‌های جوان، به قلم آقای عبدالرحیم اباذری به رشته تحریر درآمده است.

دکتر نشر معارف، پنجمین جلد از مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی خود را با عنوان «قرآن‌شناسی» منتشر کرد. این کتاب که اثری از «صالح قنادی» با همکاری گروهی از محققان نهاد رهبری در دانشگاه‌هاست، به یک‌صد پرسش درباره نزول و ویژگی‌های وحی پاسخ می‌دهد.

جلد بیست‌وسوم از تفسیر «تسنیم» آیت‌الله جوادی آملی که تفسیر آیات ۵۱ تا ۱۰۰ سوره مبارکه مائده می‌باشد، با موضوعاتی همچون اقسام ولایت غیرمسلمان، مراد از ولایت ممنوع، گرایش شتابان بیماردلان به بیگانگان و راز تأکید قرآن بر نهی از گرایش به بیگانگان منتشر شد.

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به مناسبت یک‌صدمین سالگرد

در پی بالا گرفتن اعتراض‌های موسوم به «تسخیر وال‌استریت»، شرکت انتشاراتی «وآر» (OR) تصمیم دارد تاریخ شکل‌گیری جنبش تسخیر وال‌استریت را به شیوه‌ای بی‌سابقه در یک کتاب منتشر کند. در نگارش این کتاب که قرار است با عنوان «تسخیر وال‌استریت: داستان جنبشی که آمریکا را دگرگون کرد» منتشر شود، نویسندگان فراوانی دست دارند. نویسندگان این کتاب مجموعه‌ای از مؤلفان و پژوهشگران معروف به «نویسندگان ۹۹ درصد» هستند که به شکل‌های گوناگون، حمایت خود را از این جنبش اعلان کرده‌اند. امید است که پس از انتشار، ترجمه آن در برنامه کاری ناشران ایرانی قرار گیرد.

کتاب «تبارنامه حوزه و روحانیت، از صدر اسلام تا پهلوی اول» با هدف شناسایی و شناساندن شجره‌نامه و تبارنامه صنفی علماء، فقها و

جریان‌های فکری ایران معاصر را از کجا بخوانیم؟

|| معرفی کتاب جریان‌شناسی فکری ایران معاصر،
اثر عبدالحسین خسروپناه ||



بک
نویسنده

اگر بخواهید شناختی جامع دربارهٔ جریان‌های فکری فعال و مؤثر ایران معاصر پیدا کنید، باید به سراغ کتاب «جریان‌شناسی فکری ایران معاصر» به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه بروید. مؤلف کتاب، جریان‌های فکری دینی در صد سال اخیر را بر اساس دغدغه‌های آنان نسبت به دین و رابطهٔ آنها با مدرنیته، به چند دسته تقسیم کرده و به معرفی آثار و افکار افراد شاخص هر جریان پرداخته است. در واقع خسروپناه در نه گفتار اثر حاضر می‌کوشد تا با شیوه‌ای علمی به معرفی، تبیین و تحلیل جریان‌های فکری معاصر و همچنین نقد آنها بپردازد تا از این طریق، فضایی را برای گفت‌وگوی آزاد و کشف جریان اصیل اسلامی فراهم آورد. در گفتار نخست؛ کلیاتی، از جمله چستی جریان‌شناسی و گونه‌های

جریان‌شناسی بیان شده که در این میان، سه دیدگاه موجود، ذکر شده و در ادامه دیدگاه برگزیدهٔ نویسنده آمده است. گروه‌ها و گرایش‌های فکری که در این اثر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، عبارتند از: جریان‌های عقلانیت اسلامی، روحانیت سنتی، مکتب تفکیک، تجددستیزی سنتی و فلسفی، فرهنگستان علوم اسلامی و روشن‌فکری. خسروپناه در هشت گفتار دیگر، به بررسی و آسیب‌شناسی گرایش‌های فکری می‌پردازد. نویسنده به عنوان حسن ختام کتاب، روشن‌فکری را از نگاه مقام معظم رهبری شرح داده و گفته که روشن‌فکری از دیدگاه ایشان به سه دستهٔ روشن‌فکری حقیقی، روشن‌فکری غیر حقیقی مخالف مذهب، و روشن‌فکری غیر حقیقی موافق مذهب تقسیم می‌شود.

جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، به همت



مؤسسهٔ حکمت نوین اسلامی (حنا) و نشر رشید، در ۴۰۴ صفحه منتشر شده است.

رحلت آخوند خراسانی، دوازده کتاب از ایشان منتشر خواهد کرد که مجموعهٔ سه‌جلدی «فقه فتوایی آخوند خراسانی»، «شناخت‌نامه آخوند خراسانی»، مجموعه «سناد اجتماعی آخوند خراسانی» از آن جمله‌اند.

■ کتاب «آفاق محبت به اهل بیت عصمت و طهارت» نوشتهٔ علامه عبدالحسین امینی با ترجمهٔ سیدمحمدباقر موسوی همدانی، از سوی انتشارات نبأ منتشر و روانهٔ بازار نشر شد. این اثر با استناد به آیات قرآن و روایات و سیره نبوی یکی از شبهه‌های متداول وهابیت دربارهٔ شیعه را بررسی می‌کند.

■ چاپ نخست کتاب «بررسی تطبیقی تقیه، در آرای شیخ انصاری و امام خمینی (ره)» به قلم ذبیح‌الله اوحدی، توسط انتشارات عروج، وابسته به مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) منتشر و روانهٔ بازار شده است.

■ کتاب «اسلام و جهانی‌سازی» به قلم حجت‌الاسلام مهدی امیدی،

به‌زودی از سوی انتشارات جامعه‌المصطفی العالمیه منتشر می‌شود.

■ نخستین چاپ کتاب «بررسی فقهی اصل در روابط خارجی دولت اسلامی» نوشتهٔ سیدجواد برعی، توسط انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در دست چاپ است. مؤلف می‌کوشد با ارزیابی اصالت جنگ یا جهاد در روابط خارجی، ابعاد حقوقی این موضوع را آشکار کند.

■ «دیوان حافظ شیرازی» دومین کتاب پرفروش کشورهای عربی شد. روزنامهٔ القدس العربی، چاپ لندن نوشت به‌تازگی کتابی با عنوان «آوازه‌های شیراز قسمت دوم» در مصر منتشر شده که دیوان اشعار حافظ شیرازی است.

■ چاپ نخست کتاب «ملاصدراي شیرازی و تفسیرش» تألیف مجید فلاح‌پور، از سوی خانهٔ کتاب منتشر و روانهٔ بازار نشر شد.

مقصد

طلبه‌ماه

گام به گام از وبلاگ نویسی تا طلبه نویسی

|| ده درس برای داشتن یک وبلاگ طلبگی موفق ||

محمد رضا عابدی شاهرودی

مدیریت کنید، یک ماجرای کاملاً پیچیده است. دقیقاً به همین دلیل است که بسیاری از طلبه‌ها، وبلاگی راه‌اندازی می‌کنند و پس از چند ماه آن را به حال خود رها می‌کنند. بنابراین بهتر است ابتدا به این فکر کنیم که قصد و هدف ما از راه‌انداختن یک وبلاگ چیست، تا بعداً بتوانیم وارد مرحله گذراندن این سی‌تاییه شویم.

بعد از نیت، مهم‌ترین تصمیم ما، انتخاب سبک وبلاگ‌نویسی است. ما یک روزانه‌نویس هستیم؟ یک ایده‌نویس، یک کی‌کار، تولید محتوا انجام می‌دهیم یا می‌خواهیم یک فوتوبلاگ داشته باشیم؟ اینها سوالات بسیار مهمی است که باید به آنها پاسخ بدهیم.

تفاوت‌های بسیاری برای ادامه و مدیریت یک وبلاگ روزانه‌نویس با یک وبلاگ که می‌خواهد به شبهات پاسخ بدهد، وجود دارد که اگر به آن توجه نشود، مجدداً پس از چند ماه، یک وبلاگ از کار افتاده روی دست ما باقی خواهد ماند.

روزانه‌نویسان در حال حاضر، اکثریت قریب به اتفاق فضای وبلاگستان فارسی را تشکیل می‌دهند. وبلاگ‌نویسانی که درباره روزانه‌های خود می‌نویسند. اینکه امروز کجا رفته‌اند، فردا به کجا می‌روند، اگر شب یلدا از راه رسیده است، درباره آن می‌نویسند، نوروز که می‌رسد، از آن می‌گویند، از سفرهایی که می‌روند، قهر و آشتی‌های زن و شوهری، گذاشتن عکس‌های مربوط به سفر کیش و لندن و حتی سفره شام و افطار و یک مهمانی آخر شب.

برای کسانی که می‌خواهند امر دین را تبلیغ و ترویج کنند و طلبه

امروزه تبلیغ و ترویج مباحث دینی از طریق فضای مجازی، یکی از اولویت‌های ورود به حیطه‌های جدید تبلیغ است. فضایی که به شما امکان یک رابطه دوطرفه با مخاطبانی را می‌دهد که می‌توانند از سطوح و افشار گوناگون جامعه باشند. دیگر مثل حضور در یک منبر سنتی نیست که فقط شما سخن بگویید و دیگران شنونده باشند. دیگر مثل حضور در یک مسجد یا هیئت نیست که تنها مخاطبان مذهبی، در جلسه شما حاضر شوند. در این فضای مجازی، هر چیزی که شما می‌گویید، به صورت آنلاین در معرض دید و قضاوت همه قرار می‌گیرد و از همه‌جای دنیا و با گرایش‌های متفاوت، بیننده شما خواهند بود.

وبلاگ‌نویسی، یکی از ابزارهای خوب برای تبلیغ و ترویج مباحث دینی است. اما همیشه این سؤال وجود دارد که مبلغان و مروجان مباحث دینی، چگونه باید به این حیطه قدم بگذارند. نکاتی که در ادامه می‌آید، می‌تواند در بهبود توانایی‌های ما برای ورود به وبلاگ‌نویسی، مؤثر باشد.

نخستین مرحله برای ورود به وبلاگ‌نویسی، نیت کردن است. شاید به نظر برسد که این امری کاملاً ساده و بدیهی است، اما شاید مهم‌ترین بخش ماجرا باشد. همیشه به یاد داشته باشید که فاصله شما با راه‌اندازی یک وبلاگ، فقط سی‌تاییه است. شما هرگاه که اراده بکنید (وسط روز، نیمه‌های شب و بعد از اذان صبح) می‌توانید یک وبلاگ داشته باشید، اما اینکه می‌خواهید با آن وبلاگ چه کار کنید و آن را چگونه

تجربه



هستند، روزانه نویسی طلبگی، یک امتیاز ویژه به شمار می آید. رویکردی که کمتر به آن پرداخته شده است، چون به صبر و تحمل بسیاری نیاز دارد. از آنجا که اکثر قشرهای جامعه، از مسائل روزمره زندگی طلبگی چیزی نمی دانند، این یک رویکرد بسیار مهم به نظر می رسد. طلبه ها چگونه درس می خوانند؟ چه درسی می خوانند؟ چگونه لباس می پوشند؟ چگونه گعده می کنند؟ حتی چه غذایی می خورند؟ در خیابان با آنان چگونه برخورد می شود؟ چگونه به مسافرت می روند؟ آیا همیشه لباس می پوشند؟ چگونه زندگی شان را می گذرانند؟

اینها همه آن چیزهایی است که در روزانه نویسی طلبگی، می تواند مورد توجه باشد.

۴

ایده نویسی، کمی مشکل تر از روزانه نویسی است و طبیعتاً مخاطبان خودش را به دنبال دارد. در ایده نویسی، شما درباره مسائل روزمره، درباره وام هایی که دارید و درباره مدرسه ای که می روید، نمی نویسید؛ بلکه درباره موضوعات و مباحث روز که در داخل یا خارج از کشور در حیطه مباحث دینی در جریان است، خواهید نوشت. اگر در آمریکا به قرآن توهین می شود، اسرائیل به مسلمانان غزه حمله کرده است، اگر بی حجابی در جامعه وجود دارد، اگر فقر و فحشا وجود دارد، احیای امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی و... همه آن چیزهایی است که شما در ایده نویسی می توانید به آنها بپردازید و از این طریق با مخاطب خود ارتباط برقرار کنید.

۵

یک نوع ایده نویسی دیگر می تواند این باشد که شما درباره دروسی که می خوانید، بنویسید و توضیحاتی درباره آنها بدهید. در واقع شما می توانید تبدیل به راهنمایی شوید که دیگران برای اطلاع از دروس حوزی، به شما مراجعه کنند و حتی اشکالات خودشان را از شما بپرسند.

این خیلی مهم است که تصمیم بگیرید که آیا شما یک کپی کار هستید یا تولید کننده. شما قصد دارید در فضای مجازی جستجو کنید و هر چیزی که به نظرتان جالب بود و به کار ترویج مباحث دینی آمد را در وبلاگ خودتان (البته حتماً با ذکر منبع) انعکاس دهید، یا می خواهید نظر و دیدگاه خودتان را (حالا حتی با رجاع به مطالب دیگران) منعکس نمایید. اگر به دنبال رویکرد اول هستید، احتمالاً پس از چند وقت، دوباره یک وبلاگ از کار افتاده روی دست شما باقی خواهد ماند. فضای مجازی آن قدر از یادداشت ها و نوشته های تکراری پر شده است که خیلی بعید است شما بتوانید مخاطب جدی و خوبی برای خودتان دست و پا کنید. اما اگر به فکر تولید محتوا هستید، بهتر است بدانید که فضای مجازی، ادبیات خودش را دارد که ابتدا باید آن را فرا بگیرید.

شما نمی توانید به همان ادبایی که در منبر به کار می برید یا در کلاس دارید، با مخاطب فضای مجازی - که می تواند از هر جایی و از هر قشری باشد - گفت و گویی دوطرفه برقرار کنید.

همیشه به یاد داشته باشید که فاصله مخاطب از وبلاگ شما تا یک وبلاگ دائلود فیلم و موسیقی، فقط چند کلیک ناقابل است. بنابراین همیشه به دنبال دلیلی باشید که چرا مخاطب نباید زحمت کلیک کردن را به خود بدهد. (یکی می گفت شاید فیلترینگ!)

۶

از همین ابتدا، وقتی که سبک وبلاگ نویسی خودتان را یافتید، باید انتخاب کنید که می خواهید با شخصیت خودتان بنویسید یا با یک شخصیت مجازی. هر کدام از این انتخاب ها مزایا و معایبی دارد.

اگر با شخصیت خودتان بنویسید، ممکن است به بیشتر شناخته شدن شما کمک کند، اما در عین حال شاید بعضی دوست نداشته باشند که دیگران بدانند که در زندگی روزمره آنان چه می گذرد. خصوصاً اینکه شما هرگز نمی دانید چه کسی ممکن است به وبلاگ شما مراجعه کند.

شخصیت ها و هویت مجازی، گاهی اوقات این کمک را به شما می کند که ناشناخته تر باقی بمانید، اما طبیعتاً استناد به وبلاگ شما را بسیار کم می کند و درصد اعتماد به مطالب آن را پایین نگه می دارد. مخاطبان دوست دارند که بدانند با چه کسی روبه رو می شوند. کسی که واقعاً طلبه است، یا کسی که خودش را در نقش یک طلبه فرو برده است؟ پس از انتخاب سبک وبلاگ نویسی، این یکی از مهم ترین انتخاب های شماست.

۷

هر وبلاگی که راه اندازی کردید، بدانید که نباید در خانه تان بنشینید و منتظر بمانید. شما باید با سایر وبلاگ نویسان، آشنا شوید و با آنان در یک مشارکت دو طرفه قرار بگیرید. به وبلاگ های دیگران سر بزیند و نظر بگذارید (لطفاً از گذاشتن نظرات تبلیغاتی خودداری کنید) سعی کنید با آنان رابطه برقرار کنید. در قرارهای وبلاگی حضور داشته باشید، در بازیهای وبلاگی شرکت کنید، در موج های وبلاگی، تأثیر بگذارید و...

سعی کنید که وبلاگ خودتان را همیشه به روز نگه دارید. طوری نباشد که یک روز ده مطلب کار کنید و پس از آن، تا سه ماه خبری نباشد. اگر شما مخاطبانی پیدا کرده باشید، دوست دارند که مطالب شما را منظم و طبق برنامه ریزی ببینند. پس به این توقع آنان احترام بگذارید و سعی کنید که فاصله روزآمد کردن وبلاگ، کاملاً منظم و منطقی باشد.

۸

سعی کنید که از ابزار مالتی مدیا استفاده نمایید. با دوربین تلفن همراه خود از مناظر و اتفاقات جالب، تصویر بگیرید و در وبلاگ خود استفاده کنید. چه بسا حتی سایت های خبری از وبلاگ شما ذکر خبر کنند و بدین وسیله بتوانید مخاطب بیشتری پیدا کنید. شما می توانید با ضبط صدای درس هایی که می خوانید یا مباحثه های خود، به دیگران کمک کنید و انگیزه بیشتری برای مراجعه به وبلاگ خودتان به وجود آورید. اگر بتوانید فیلم (هر چند کوتاه) تهیه کنید که کار بسیار خوبی انجام داده اید.

۹

یک راه تشخیص وبلاگ نویسان تازه کار از کسانی که حرفه ای تر هستند، این است که تازه کارها وبلاگ خودشان را با انواع و اقسام کدهای مختلف، شلوغ می کنند. شما هرگز این کار را نکنید. از کدهای مختلف در قالب وبلاگ استفاده نکنید. از گذاشتن صوت در قالب وبلاگ خودداری کنید. اگر کسی بخواهد نوحه و روضه گوش بدهد، می تواند با یک جستجوی ساده به آن دسترسی داشته باشد.

فرض بفرمایید که یک نفر نیمه های شب می خواهد وبلاگ بخواند و ناگهان وبلاگ شما با صدای بلند یک نوحه سرایی، باز می شود و همه را از خواب بیدار می کند. مخاطبان خواهان خواندن و دیدن مطالب شما هستند و نه صوتی که در قالب وبلاگ شما وجود دارد.

۱۰

حالا که آماده شده اید، یک سرویس راه اندازی وبلاگ انتخاب بفرمایید و دست به کار شوید. همان طور که گفته شد، فقط سی ثانیه زمان می برد. از حالا به بعد می توانید خودتان را یک وبلاگ نویس بدانید. مطمئن باشید که اگر به خوبی از عهده آن بر بیاید، حتماً خوشتان خواهد آمد.



منبر

■ حسین سرانجام

داستان

باز به مردم، می‌ترسد مردم سر از رکوع بردارند و وقتی دارد بالا می‌رود، او را ببینند. «سمع الله لمن حمده، الله اکبر»؛ با هر سجده یک پله دیگر بالا می‌رود و «الله اکبر» می‌گوید. می‌رسد به بالای منبر. از خوشحالی می‌خواهد بالا و پائین ببرد و جیغ بزند. چند بار به چپ و راست می‌چرخد و از بالا به جمعیت نگاه می‌کند، احساس بزرگ‌تری را دارد که از بالا بچه‌ها را نگاه می‌کند. در دل می‌خندد، چشم‌ها را یک لحظه می‌بندد و باز می‌کند. مردم هنوز پایین و کوچک‌اند.

امام سر از سجده برمی‌دارد، پسر داد می‌زند «بحول الله» و خود را خالی می‌کند، اما امام نمی‌ایستد، می‌نشیند و تشهد می‌خواند، تعدادی از مردم نیم‌خیز می‌شوند، مرد میان‌سالی از صف اول، روی پایش می‌زند و بلند می‌گوید: «الله اکبر» چند تا از جوان‌ترها چشم می‌گردانند سمت پسر مکبر. پسر سرخ می‌شود، گوش‌هایش گر می‌گیرد، نمی‌داند چه کار باید بکند. دست می‌گیرد به نرده کنار منبر و آرام دو پله می‌آید پایین.

امام بلند می‌شود و می‌ایستد، پسر این بار خیلی آرام‌تر از قبل می‌گوید: «بحول الله» و به بالای منبر نگاه می‌کند.

دست‌های امام جماعت که پایین می‌آید، پسر تکبیره‌الاحرام را می‌گوید و نیم‌نگاهی به منبر می‌اندازد، پنج سال بیشتر ندارد، پس از گفتن «سبحان الله»، آرام عقب می‌رود، کنار منبر می‌ایستد و «الله اکبر» می‌گوید. مردم به سجده می‌روند، از نگاه‌های سنگین و مراقب بزرگ‌ترها خلاص می‌شود. دست به کنار منبر می‌گیرد و همین‌طور که به امام چشم دوخته، خود را روی پله اول بالا می‌کشد. امام سر از سجده برمی‌دارد، پسر دوبار تکبیر می‌گوید و مردم باز به سجده می‌روند. این بار دور از نگاه مردم، روی خود را برمی‌گرداند یک دست را روی پله می‌گذارد و دست دیگر را به نرده منبر می‌گیرد، از پله دوم هم بالا می‌رود. به امام نگاه می‌کند. امام و تعدادی از مأمومین برخاسته‌اند و بقیه منتظر تکبیر پسر در سجده‌اند. سریع تکبیر می‌گوید، گوش‌هایش کمی سرخ می‌شود. به جمعیت نگاه می‌کند. پیرمردی که پشت سر امام است و یکی دو نفر دیگر، زیر چشمی نگاهش می‌کنند. امام دست‌ها را بالا می‌برد، پسر می‌گوید: «کذالك الله ربی قنوت». بدون اینکه خود بفهمد، قنوتش را داد زده است. منتظر می‌ماند تا برای رکوع، سرها پایین بیفتند. به بالای منبر نگاه می‌کند و